نقش سازمانهای فرهنگی درگرایش خانوادهها به نماز و مسجد

محسن موحدی   ۱۳۹۳/۰۹/۱۰

تحقیق حاضر با هدف بررسی نقش سازمانهای فرهنگی در گرایش خانواده ها به نماز و مسجد و به روش پیمایشی انجام شده است. تعامل مسجد و خانواده نقش مهمی در تربیت فرزندان یک خانواده دارد، در نتیجه همۀ سازمانهای فرهنگی جامعه می توانند در تقویت این تعامل نقشی مهم داشته باشند. برخی یافته های تحقیق حاکی از آن است که غنی سازی جلسات آموزش خانواده درباره اهمیت نماز جماعت و عملکرد مسجد از طریق به کارگیری متخصصین و کارشناسان، مهم ترین نقش آموزش و پرورش؛ انجام مطالعات و تحقیقات پیرامون عوامل مؤثر بر جذب خانواده ها به نماز جماعت و مسجد و استفاده از نتایج حاصل در برنامه ریزی های فرهنگی، مهم ترین نقش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ ساخت برنامههایی در خصوص آشنا سازی خانواده ها با تأثیر نماز جماعت و مسجد بر عملکرد اعضای خانواده بویژه جوانان و نوجوانان، مهم ترین نقش صدا و سیما، تبیین سیرۀ پیامبر اعظم و ائمۀ اطهار علیهم السلام در اهمیت دادن به نماز جماعت و مسجد، مهم ترین نقش حوزۀ علمیه و ارائۀ اولویت های پژوهشی مطالعات راهبردی تعامل خانواده و مسجد، برای موضوعات پایان نامه های رشته های علوم انسانی بصورت فراخوان به دانشگاه ها مهم ترین نقش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در گرایش خانواده ها به نماز جماعت و مسجد است.

**مقدمه:**

نماز برتر از همۀ عبادات، جامع تمام کمالات، منعکس‌کنندۀ کلّ واقعیّات، منبع برکات و کلید قفل تمام مشکلات است. بر همین اساس است که مقام معظم رهبری به زیبائی هر چه تمام‌تر این فریضه الهی را توصیف می‌کنند: «هیچ وسیله‌اى مستحکم‌تر و دائمى‌تر از نماز براى ارتباط میان انسان با خدا نیست،مبتدى‌ترین انسان‌ها رابطه خود با خدا را بوسیله نماز آغاز مى‌کنند. برجسته‌ترین اولیاى خدا نیز، بهشت خلوت انس خود با محبوب را در نماز مى جویند. کلمات و اذکار نماز، هر یک خلاصه‌اى است که به بخشى از معارف دین اشاره مى‌کند و بطور مکرّر آن را به یاد نمازگزار مى‌آورد. نمازى که با تدبّر در معانى و بدون غفلت گزارده شود، انسان را روزبه‌روز با معارف الهى آشناتر و به آن دلبسته‌تر می‌سازد.» (خامنه‌ای، ١٣٨١، صص ٣٤-٣٣)

قرآن کریم نماز را عامل نهی‌کننده از فحشا و منکر معرفی می‌کند و پیامبر اعظمn پنج بار نماز خواندن مؤمن در یک روز را به پنج بار شستشوی او از آلودگی‌ها در یک جوی آب پاک تشبیه می‌فرمایند. امروزه با شناخت بیشتر ابعاد شخصیت انسان، معلوم شده است که اعتقاد و التزام انسان به عقاید و فرائض دینی تا حد زیادی در نجات او از ناملایمات زندگی مؤثر است، این امر به ویژه وقتی اهمیت خاص می‌یابد که توجه داشته باشیم در عصر حاضر و با پیشرفت علم و تکنولوژی،مشکلات انسان امروزی، پیچیدگی‌های خاص خود یافته و انسان چاره‌ای جز پناه‌بردن به منبع لایزال الهی و روی‌آوردن به معنویات وکمک‌گرفتن از آن ندارد.(امینی، ١٣٦٨، صص ١٣-١٢)

سازمان‌های فرهنگی در حکومت اسلامی باید بر مبنای انسان‌شناسی اسلامی، تأثیر عمده خود را بر گرایش خانواده‌ها به مسجد و نماز نمایان سازند.انسان‌شناسی اسلامی بر پایه آیات قرآن و روایات معصومینb همواره بر استعدادها و ظرفیت‌های او در عین عجز و ناتوانی‌اش تأکید دارد و رسیدن به اوج این ظرفیت‌ها جز درمان فسادپذیری انسان راه دیگری ندارد. ذکر بهترین راه درمان این آفت بزرگ است و نماز با همه خصوصیات منحصر به فردش رهنمون انسان به سوی ذکر است.

از سوی دیگر، برمبنای یک احساس و سنت دیرین، مشخص‌ترین مسئولیت خانواده در برابر زیست و رفاه فرزندان در تأمین خوراک و پوشاک، مسکن، بهداشت و تربیت خلاصه شده است. غذا و پوشاک و مسکن در چارچوب تسهیلاتی که خانواده برای خود فراهم می‌کند تأمین می‌شود. در این سه زمینه فرزندان خانواده‌ها از امکاناتی که نیازهای دیگر اعضای خانواده را تأمین می‌کند خود به خود بهره‌ مند می‌شوند. بهداشت فرزندان خانواده در دو بعد مراقبت و پیشگیری و درمان،یکی با مسئولیت و کوشش خانواده و دیگری با مباشرت پزشک و سازمان‌های درمانی شکل می‌گیرد. یکی دیگر از موارد، تربیت است که گرچه گروه‌ها و عوامل اجتماعی زیادی بر تربیت (فرایند انتقال ارزش‌های دینی) تأثیر می‌گذارند، غالباً خانواده در این زمینه به منزله با‌نفوذترین عامل به شمار می‌رود. در خانواده است که کودک نخستین چشم‌انداز را از جهان پیرامون می‌آموزد و احساس وجود می‌کند. در خانواده است که کودک به آداب و رسوم ملی، مراسم دینی، وظایف فردی و حدود و اختیارات و مسئولیت‌ها پی می‌برد.(پارسا، ١٣٦٨، ص ٤٣) با توجه به نقش سرنوشت‌ساز تربیت خانوادگی در رشد و تعالی فرزندان است که بحث حقوق کودکان در اسلام مطرح می‌شود. از جمله حقوق کودکان که بر عهده خانواده‌‌هاست تأمین سعادت دنیایی و آخرتی آنان است که این امر میسر نمی‌شود مگر از راه انتقال مفاهیم دینی. آیات و روایات فراوانی متذکر این معنی شده در عین حال در سیرۀ عملی پیامبر و ائمه اطهارb جلوه‌های فراوانی از این موارد را مشاهده می‌کنیم. (شاکری نیا، ١٣٨٠، ص٧٦)

**الف) فرهنگ و مفهوم آن:**

مطالعۀ تعاریف متعدد فرهنگ، نشان می‌دهد که وفاق همه جانبه‌ای در مورد تعریف و معنای این واژه وجود ندارد. البته در این که فرهنگ، امری است که به نوعی در شخصیت انسان مؤثر می‌افتد و افکار، احساسات و رفتار او را شکل می‌دهد، یا دست کم به نوعی او را متأثر می‌سازد، اختلافی وجود ندارد؛ اما در مصادیق آن و به تعبیر بهتر در عناصر آن، اختلاف نظر زیادی وجود دارد. برخی فرهنگ را مجموعه‌ای از امور مادی و غیر مادی می‌دانند؛ به گونه‌ای که حتی اموری مانند تمدن و صنعت،بناها و نیز میراث فرهنگی را نیز جزء آن می‌شمارند؛ اما برخی دیگر فرهنگ را منحصر در امور غیر مادی می‌دانند. همچنین برخی- با اذعان به این که فرهنگ دستاورد آدمی است- آن را امری جدا از انسان که در او مؤثر است، تعریف می‌کنند. برخی دیگر، فرهنگ را در ارتباط تنگاتنگ با آدمی و به عنوان خصیصه‌ای از خصائص او تعریف می‌کنند. به همین جهت می‌توان در مفهوم شناسی فرهنگ، آن را از زوایای گوناگونی همچون توصیفی (بیان عناصر)، کارکردی (نوع و کیفیت عمل فرهنگ) و...طبقه‌بندی کرد. یک تعریف جامع از فرهنگ باید متضمن مهم‌ترین عناصر و کارکردهای آن باشدکه البته بسیار دشوار است و با اذعان به اشکال‌ها و ایرادهایی که ممکن است وجود داشته باشد، تعریف زیر برای فرهنگ ارائه می‌گردد:

«فرهنگ، مجموعه‌ای از هنجارها، قوانین و عادات، آداب و رسوم، عقاید و باورها و ارزش‌ها و الگوهای ارتباطی و نیز امور مادی ارزشمند و معقول یک جامعه است که افکار، احساسات و رفتار اعضای آن اجتماع را شکل می‌دهد و یا به نوعی تحت تأثیر قرار می‌دهد.» (افروغ،١٣٧٩،ص٥٤)

به هر حال فرهنگ یک امر انسانی است و تنها مخاطب فرهنگ، انسان است. در میان حیوانات از فرهنگ نمی‌توان سخن گفت، حتی اگر تعبیر «فرهنگ حیوانی» نیز به کار می‌رود، نه به معنای آن است که حیوانات برخوردار از فرهنگ‌اند، بلکه به معنای آن است که انسان به سر حد حیوان تنزل یافته است.بنابراین گرچه تعبیر «حیوان فرهنگی» در مورد انسان به کار می‌رود، اما هیچ حیوان دیگری فرهنگی نیست. علاوه بر این، فرهنگ، خاصِّ یک انسان نیست و هر جا سخن از فرهنگ به میان می‌آید، دست کم سخن از گروهی از انسان‌ها در میان است؛ انسان‌هایی که با انبوهی از فرهنگ‌های دور و نزدیک مواجه‌اند، و این هم‌جواری و مواجهه، با لحاظ نمودن روحیات و نیازهای او، فرهنگ او را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

بر همین اساس ویژگی‌های سازمان‌های فرهنگی را باید در جایگاه منحصر به فرد محصولات و فرآورده‌های فرهنگی و نقش حیاتی این محصولات در زندگی بشر و نیز ظرافت و دقت بالایی که به لحاظ پیچیدگی کار و حساسیت عمومی باید در این گونه فعالیت‌ها به خرج داد و نیز در اهمیت نقش سازمان‌های فرهنگی با کیان اقتصادی و نظامی جامعه و بالأخره در گستردگی روابط و ارتباطات انسانی در این حوزۀ کاری جستجو کرد. (اسدی، ١٣٨٠،صص ٢١-٢٠)

یکی از مهم‌ترین حوزه‌های کاری سازمان‌های فرهنگی، ترویج و کمک به تحقق تعامل مسجد و خانواده است. تعاملی که بخشی از تربیت دینی است و به پذیرش و نهادینه کردن مفهوم عبودیت خداوند و مهیا کردن زمینه‌های معنویت در جامعه، منجر می‌شود. اهمیت نقش سازمان‌های فرهنگی در تحقق این امر مهم، به انجام تحقیق حاضر انجامید.

**ب) اهمیت سازمان‌های فرهنگی و مدیریت آنها:**

دلایل فراوانی را می‌توان بر اهمیت سازمان‌های فرهنگی و مدیریت آنها، اقامه کرد که عمدۀ آن به نقش و کارکردهای فرهنگ در جامعه باز می‌گردد. فرهنگ در حقیقت راه و رسم و شیوه زندگی است و نقش آن برای یک جامعه، به مثابه روح برای جسم آدمی است. همچنان که سلامت روحی و روانی انسان نیازمند عنایت جدی و برنامه‌ریزی و به کارگیری فعالیت و اقدامات مناسب است، و هر گونه بی‌توجهی و غفلت از آن می‌تواند به حیات فردی انسان اختلال وارد آورد و آن را در معرض تهدید جدی قرار دهد، بی‌توجهی و عدم اهتمام لازم به مقولۀ فعالیت‌های فرهنگی نیز صدمات و لطمات جبران‌ناپذیری بر حیات یک ملت وارد آورده،آن را در معرض فرسودگی و نابودی قرار می‌دهد.

باید کوشید تا این عنصر حیات‌بخش به آسانی در اختیار همۀ اقشار مردم جامعه قرار گیرد و نباید به گونه‌ای رفتار شود که کالاهای فرهنگی، مانند کالاهای مصرفی و اقتصادی به سوداگری در‌افتد. همچنین با وجود نظریۀ همگانی بودن فرهنگ و لزوم مشارکت مؤثر مخاطبان، لزوم مدیریت قوی برای سامان‌مند و بهینه‌کردن این مشارکت احساس می‌شود. همچنین محافظت قوی و مؤثر از مرزهای فرهنگی و پاسداری از باورها و ارزش‌ها و سنن اسلامی و ملی در برابر تهاجم قوی فرهنگی بیگانگان، نیازمند مدیریت‌های موفق در همۀ سطوح فرهنگی است. همچنان که در اصل انجام فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی مؤثر برای حفاظت از کیان فرهنگی و تضمین شکوفایی صحیح استعدادها و پیشگیری از انحرافات فرهنگی یک ضرورت است، باید توجه داشت که مهم‌تر از آن مدیریت فرهنگی صحیح در انجام این گونه فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی‌ها است که اثربخشی این گونه فعالیت‌ها را تضمین کند.(بخشنده، ١٣٨١، صص ٧٢-٧١)

گذشته از موارد یاد شده، محققان دلایل و موارد دیگری را نیز به عنوان اموری که ضرورت سازمان‌های فرهنگی و مدیریت آنها را اقتضا می‌کند، ذکر کرده‌اند؛ از جمله: بالا‌بردن خلاقیت‌های فردی و ارتقای توسعۀ اجتماعی، تعدیل بی‌عدالتی اجتماعی در توزیع علم و دانش، ایجاد زیرساخت‌ها و رو‌ساخت‌های مناسب برای انجام فعالیت‌های فرهنگی، تمرکز‌زدایی یا احتراز از تمرکزگرایی در انجام اقدامات یا فعالیت‌های فرهنگی تا حد ممکن، تضمین حقوق فرهنگی اقلیت‌ها و... .

با این وجود، متأسفانه نگرش غالب در برخی جوامع و نزد برخی افراد که نه از اهمیت فرهنگ آنچنان که باید و شاید مطلع‌اند و نه اهمیت و ضرورت مدیریت را دریافته‌اند، این است که مدیریت فرهنگی ضرورت ندارد؛ در حالی که اساساً موفقیت و پیروزی یک ملت در زمینۀ مادی یا معنوی جز به وجود مدیریت در هر یک از این حوزه‌ها امکان پذیر نیست. (بخشنده، ١٣٨١، ص٧٤)

دیدگاه‌های مقام معظم رهبری درباره وظایف سازمان‌های فرهنگی و مدیریت آنها، بیشتر با بحث مهندسی فرهنگی گره خورده است که بیانگر تأکید ایشان بر فرآیند بودن این وظایف می‌باشد. ایشان معتقدند کنترل فرهنگ آن‌گونه که در سایر مدیریت‌ها اعمال می‌گردد نه ممکن و نه جایز می‌باشد اما در عین حال میزانی از کنترل در این عرصه نیز لازم است:

«یکی از مهم‌ترین تکالیف ما در درجه اول مهندسی فرهنگ کشور است؛ یعنی مشخص کنیم که فرهنگ ملی، فرهنگ عمومی و حرکت عظیم درون‌زا و صیرورت‌بخش و کیفیت بخشی که اسمش فرهنگ است و در درون انسان‌ها و جامعه بوجود می‌آید، چگونه باید باشد؛ اشکالات و نواقص‌اش چیست و چگونه باید رفع شود؛ کندی‌ها و معارضاتش کجاست؟ مجموعه‌ای لازم است که اینها را تصویر کند و بعد مثل دست محافظی هوای این فرهنگ را داشته باشد.نمی‌گویم به طور کامل کنترل کند؛ چون کنترل فرهنگ به صورت کامل نه ممکن است، نه جایز؛ اصلاً رشد فرهنگی با ابتکار و آزادگی و آزادی و میدان دادن به اراده‌هاست؛ در این تردیدی نیست؛ منتها هوای کار را باید داشت.» (خامنه‌ای، ١٣٧٣، ص١٣)

مقام معظم رهبری ضمن مخالفت با افراط وتفریط در مقوله وظایف سازمان‌های فرهنگی معتقدند حتی در آزادترین کشورها نیز میزانی از نظارت وکنترل در عرصه فرهنگ وجود دارد:

«آنچه که در مقولۀ فرهنگ بر عهدۀ حکومت است، عبارت است از نظارت هوشمندانه، متفکرانه، آگاهانه، مراقبت از هرزروىِ نیروها و هرزه‏روىِ علف هرزه‏ها،هدایت جامعه به سمت درست، کمک به رشد و ترقى فرهنگى افراد جامعه؛ باید به این همه مجموعۀ انسان و بخصوص جوان که در جامعه هستند، کمک کرد تا بتوانند راه صحیح و رشد خود را پیش ببرند. ما نه معتقد به ولنگارى و رها سازى هستیم، که به هرج و مرج خواهد انجامید، نه معتقد به سخت‌گیرى شدید؛اما معتقد به نظارت، مدیریت، دقت در برنامه‏ریزى و شناخت درست از واقعیات هستیم. نمى‏شود ما میدان را رها کنیم تا دیگران هر کارى که مى‏خواهند، بکنند.امروز همان کسانى که ادعاى آزادى مى‏کنند و دم از لیبرال بودن مى‏زنند، پیچیده‏ترین و دقیق‏ترین و ظریف‌ترین شیوۀ کنترل را بر روى فرهنگ کشورهاى خودشان،بلکه سراسر دنیا، اعمال مى‏کنند و سعى دارند که فرهنگ خود را به کشورهاى دیگر منتقل و تزریق کنند.» (خامنه‌ای، ١٣٧٣، ص١٦)

ایشان در توضیح بیشتر نظرات خود درمورد بحث نظارت و کنترل در عرصه وظایف سازمان‌های فرهنگی و مقابله با دو دیدگاه افراط و تفریط می‌فرمایند:

«ما نمى‏خواهیم با نگاه افراطى به مقولۀ فرهنگ نگاه کنیم؛ بایستى نگاه معقول اسلامى را ملاک قرار داد و نوع برخورد با آن را بر طبق ضوابطى که معارف و الگوهاى اسلامى به ما نشان مى‏دهد، تنظیم کرد. برخورد افراطى، از دو سو امکان‏پذیر است و تصور مى‏شود: یکى از این طرف که ما مقولۀ فرهنگ را مقوله‏یى غیرقابل اداره و غیرقابل مدیریت بدانیم؛ مقوله‏یى رها و خود رو که نباید سربه‏سرش گذاشت و وارد آن شد و با این منطق که با فرهنگ مردم نمى‏شود کارى کرد؛نمى‏شود الگوهاى فرهنگى را به مردم داد؛ نمى‏شود مردم را در زمینۀ مسائل فرهنگى پیش برد، مقولۀ فرهنگ عمومى مردم و رشد فرهنگى آنها را رها کرد، که متأسفانه این تفکر در جاهایى هست و عده‏یى طرفدار رها کردن و بى‏اعتنایى و بى‏نظارتى در امر فرهنگ هستند. این تفکر، تفکر درستى نیست و افراطى است.در مقابل آن، تفکر افراطى دیگرى وجود دارد که آن سخت‌گیرى خشن و نظارت کنترل‏آمیزِ بسیار دقیق - چه در زمینۀ فرهنگ عمومى، چه حتى در زمینۀ اخلاق شخصى؛ قالب‌ها را تحمیل کردن- است. این تفکر هم به همان اندازه غلط است. نه مى‏شود فرهنگ را در جامعه رها کرد که هرچه پیش آمد، پیش بیاید، نه مى‏شود آن‏طور سخت‌گیری هاى غلطى را که نه ممکن است و نه مفید، الگو قرار داد.» (خامنه‌ای، ١٣٧٣، ص١٦)

مقام معظم رهبری با ارائه تشبیه وظایف سازمان‌های فرهنگی به وظایف یک باغبان، پرده از ترویج حساب شده بی بند و باری از سوی برخی افراد برمی دارند: «در مقوله‏ى فرهنگ، رفتارِ حکومت باید دلسوزانه و مثل رفتار باغبان باشد. باغبان به هنگام نهال مى‏کارد، به هنگام آبیارى مى‏کند، به هنگام هرس مى‏کند، به هنگام سمپاشى مى‏کند و به هنگام هم میوه‏چینى. باید فضاى فرهنگى کشور را باغبانى کرد؛ یعنى مسئولانه و با دقت این مقوله را دنبال کرد. بعضى‏ها به عمد و کاملاً حساب شده بى‏بند و بارى را ترویج مى‏کنند. البته بنده نشانه ‏هاى این کار را مى‏دیدم و حدس مى‏زدم که چه اتفاقى مى‏خواهد بیفتد. بعد کارهایى که دستگاه‏ هاى مسئول کردند و اطلاعاتى که به‏دست آوردند، روشن کرد که همان حدسى که مى‏زدم، واقعیت دارد.» (خامنه‌ای، ١٣٧٣، ص٢٣)

مقام معظم رهبری معتقدند وظایف سازمان‌های فرهنگی مانند سایر عرصه‌ها با تغییر سر و کار دارد و مقوله فرهنگ همیشه ثابت نخواهد بود: «البته فرهنگ ملی را می‌شود به مرور در طول زمان تغییر داد؛ یعنی مثل کوه‌های عالم که در طول قرن‌های متمادی جابه‌جا نمی‌شوند، جزو ثوابت نیست. فرهنگ یک ملت را می‌شود با عوامل تأثیرگذار به‌تدریج عوض کرد؛ یک ملت از لحاظ فرهنگی عزیز را تبدیل کرد به یک ملت توسری‌خور و ضعیف؛ متقابلاً یک ملت تنبل را می‌شود تبدیل کرد به یک ملت زرنگ؛ این رنگ ثابت لایزالی و لایزولی نیست.»(خامنه‌ای، ١٣٧٣، ص٣٢)

مقام معظم رهبری ادای وظایف سازمان‌های فرهنگی را یکی از حقوق مردم بر حکومت قلمداد می‌کنند و این کار را از وظایف مهم حکومت بر می‌شمرند: «در قبال هجمه‏یى که امروز وجود دارد، نمى‏شود بیکار نشست و نظارت را از دست داد؛ بایستى با دقت، مراقب رفتار و حرکت فرهنگى جامعه بود و براى آن برنامه‏ریزى کرد؛ این یکى از مهم ترین وظایف حکومت است و حق بزرگى است که مردم بر گردن حکومت دارند؛ حق رشد فضیلت‌ها و پیشرفت در زمینه‏ى معنویات؛ این حق را باید حکومت ایفا کند. این مطلب مهمى است که باید برایش برنامه‏ریزى و فکر شود و راه‏هاى اثرگذارى بر روى فرهنگ عمومى مردم و رشد فضایل شناخته شود.» (خامنه‌ای، ١٣٧٣، ص٥٠)

مقام معظم رهبری بی نشاطی و رکود و عدم پیشرفت را از آسیب‌های جدی وظایف سازمان‌های فرهنگی بر می‌شمرند: «نمى‏شود قبول کرد که ما یک مجموعۀ فرهنگى داریم که آن را به عنوان قرارگاه اصلى مسائل فرهنگى و کار زار فرهنگى قرار داده‏ایم -‌یک‏چنین کارزارى در همه‏ى ادوار و در همۀ کشورها اجتناب‏ناپذیر است‌- در عین‏حال، در این قرارگاهِ اصلى، بى‏نشاطى یا رکود یا عدم پیشرفت ملاحظه و مشاهده بشود؛ این را من اصلاً تصور نمى‏توانم بکنم.» (خامنه‌ای، ١٣٧٣، ص٦٤)

مقام معظم رهبری ادای وظایف سازمان‌های فرهنگی کشور را دارای دو قسمت مهم عقبۀفکری و خط مقدم اجرائی می‌دانند و معتقدند همه دستگاه‌ها و نهادها در این عرصه دخالت دارند:

«این احتیاج دارد به دو چیز اساسی: اول، عقبۀ علمی و فکری؛ دوم، خط مقدم اجرایی. عقبه‌ فکری‌اش همان جایی است که باید مطالعه و کارهای علمی بکند. عقبه فکری در مراکز دانشگاهی و حوزه‌ای است. خط مقدمتان هم عبارت است از دولت، مجلس و حتی مجمع تشخیص مصلحت ـ‌که توضیح خواهم داد مجمع تشخیص هم یکی از مراکزی است که خط مقدم شماست و می‌تواند سیاستگذاری کند‌ـ ‌و دستگاه قضایی و دیگر دستگاه‌هایی که در کشور هستند؛اینها بازوان اجرایی شما هستند. این بازوان اجرایی، فقط چهار وزارتخانه‌ فرهنگی نیستند - ‌یعنی وزارت علوم و ارشاد و بهداشت و آموزش و پرورش -  بلکه صنایع ما هم جزو خط مقدم شماست. فرهنگ ما باید در تولید صنعتی ما اثر بگذارد: ما چه چیزی تولید کنیم؟ چگونه و برای چه تولید کنیم؟ صداوسیما هم جزو خطوط مقدم شماست. دستگاه قضایی ما - اداره زندان، کیفیت زندان و این گونه مسائل - ‌همه‌اش با فرهنگ ارتباط دارد و باید تحت تأثیر آن باشد. مجلس ما برای عملی شدن آنچه این جا به عنوان مهندسی انجام می‌گیرد، حتماً باید قانون بگذارند. مجمع تشخیص مصلحت هم در سیاستگذاری‌ها همین مهندسی کلان را درنظر داشته باشد.» (خامنه‌ای، ١٣٨٥، ج٢، صص١٣٣-١٣٢)

**ج) اصول مدیریت سازمان‌های فرهنگی برای ادای وظایف آنها:**

وقتی سخن از اصول مدیریت سازمان‌های فرهنگی در میان است، مقصود قواعد و معیارهایی است که در فرآیند مدیریت این سازمان‌ها در جهت ادای وظایف بهتر آنها؛ باید مراعات شود و به هیچ وجه، امکان نادیده انگاشتن و تخطی از آنها وجود ندارد. این اصول، تضمین کنندۀ نتیجه بخش بودن فرآیند مدیریت سازمان‌های فرهنگی است. البته اصول، اموری اکتشافی است که با توجه به مبادی و مبانی و بالحاظ اهداف باید استخراج گردد، که در این مختصر، مقام و امکان استخراج و تبیین همۀ آن اصول نیست. از این رو به ذکر برخی از اصول مهم بسنده می‌شود. اما پیش از بیان اصول مورد نظر، ارائه توضیح بیشتری از «اصل» ضرورت دارد. (لودین، ١٣٨٠، ص٢٩)

اصل، در لغت و اصطلاح معانی گوناگونی دارد که از جمله آنها می‌توان به: بن و اساس یک شیء، امر عینی و محصل در خارج (درمقابل امر اعتباری و ذهنی)،حقیقت یک شیء و... اشاره کرد. اما آنچه از کاربرد این واژه در این بحث مطمح نظر است، یک دستورالعمل، قاعده و معیار کلی است که ناظر به فرآیند مدیریت تربیتی و فرهنگی است که همواره باید حاکم بر همه اعمال، فعالیت‌ها و روش‌های فرهنگی باشد تا بتوان به ثمربخشی و نتیجه بخش بودن این فرآیند، دل خوش کرد. این اصول، خاصِّ یک زمان نیست، بلکه در هر زمانی اعتبار دارد. همچنین این اصول تنها به یک جامعه و مکان خاص، اختصاص ندارد، بلکه هر کس در هر زمان و در هر مکان و با هر نوع ملیت و قومیتی که در کار مدیریت سازمان‌های فرهنگی باشد، باید این اصول را مراعات کند.

**١.زمان شناسی:**

در مدیریت سازمان‌های فرهنگی، «زمان» از جهات گوناگونی حائز اهمیت است؛ یک جهت که جهت عام در هر نوع فعالیت و مدیریتی است، «ارزش زمان» است که در غالب فعالیت‌های مدیریتی ما، توجه چندانی به آن نمی‌شود؛ بلکه اساساً ارزش فرصت و زمان را هنگامی درک می‌کنیم که بدانیم در آن مقطع زمانی چه کارهایی را می‌توانستیم انجام دهیم و انجام ندادیم و به اصطلاح وقت کشی کرده ایم. از آن جا که ما برای زمان هزینه ای نمی‌پردازیم، از ارزش آن هم غافلیم. امروزه در دنیای مدرن، «زمان» یکی از مهم ترین سرمایه‌ها برای دولت‌‌ها، مدیریت‌ها و سازمان‌ها به حساب می‌آید و بهره‌گیری صحیح از زمان است که موفقیت یا شکست را رقم می‌زند. سازمان دهی صحیح زمان، بی تردید یکی از نخستین بندهای هر دستورالعمل برای موفقیت است. دشوارترین وظیفه در میان گروه‌‌ها، همیشه سازماندهی و مدیریت زمان و تنظیم وقت توسط افراد گروه بوده است.

جهت دیگر اهتمام به مسئلۀ زمان که خاص مدیریت فرنگی و تربیتی است، آن است که از یک منظر، همواره سه زمان ما را احاطه کرده است: گذشته، حال و آینده. مواجهه با هر یک از سه مقطع یاد شده، با دیگری متفاوت است. از آن جا که زمان، ظرفی برای فعالیت‌های آدمی است، مدیر فرهنگی باید نسبت به هر یک از سه زمان حال، گذشته و آینده، برنامه و ایده مشخصی داشته باشد. نظر به نوع آنچه آدمیان در این فر صت‌ها انجام می‌دهند، رویکرد ما به هر یک از زمان‌های یاد شده نیز متفاوت است.

گذشتۀ هرجامعه ای سرشار از وقایع و حوادث شیرین یا تلخ است. چشم فرو بستن نسبت به این وقایع، در واقع، نادیده انگاشتن برخی مواریث فرهنگی است.یک مدیر فرهنگی باید همواره فهرستی از وقایع گذشته را پیش روی خود داشته باشد؛ وقایعی که تأثیرات شگرفی بر حیات گذشته جامعه و فرهنگ آن داشته است. وقایع شیرین را باید زنده نگاه داشت تا نه تنها از خاطره‌ها محو نگردد، بلکه از میراث کهن پاسداری شده و مایه تقویت روحیه و آمادگی فرد برای حال و آینده باشد. وقایع و حوادث اسفناک و تلخ گذشته نیز باید در خاطره‌ها زنده بماند تا از آن عبرت گرفته شده، دیگر تکرار نگردد. اگر به گذشته این مرز و بوم بنگریم.روزهایی مانند بیست و دوم بهمن، دوازده فروردین، سوم خرداد و... داریم که هر یک با حادثه و واقعه ای خوش و دلنشین قرین است و منشأ اثرات و برکات فراوان در حیات این ملت بوده است. در نقطه مقابل روزهایی مانند ٢٨ مرداد، هفتم تیر و... نیز داریم که از روزهای تلخ برای ملت ما بوده است. در تاریخ اسلام نیز وقایع دلنشین و جذاب و یا تأسف انگیز و ملامت بار بسیار است. این وقایع در فرهنگ ما وجود دارد و نباید آن را از یاد برد.

پاسداشت ایام خاص گذشته از حیث دیگری نیز حائز  اهمیت است و آن این که مبادا در مورد ماهیت و علل و عوامل آن و تحلیل‌هایی که در این خصوص وجود دارد، تحریفی صورت گیرد. علاوه بر این مشخص ساختن هر چه بیشتر و بهتر ایام گذشته، آشنایی با فرهنگ ملی را آسان‌تر می‌کند.

بعد دیگر زمان، حال است. منظور از زمان حال، وضعیت و فرصتی است که هم اکنون در اختیار ما است و البته همراه با تحولات و اوضاع و احوال ویژه ای است.شناخت این وضعیت، وظایفی را برای مدیر فرهنگی رقم می‌زند که متفاوت از اقتضائات زمان گذشته است. مهم ترین مسئله از این حیث، بهره‌گیری از لحظه‌های زمان موجود و استفاده از آن در مسیر اهداف فرهنگی و تربیتی است. همچنان که برای فرد «عمل شایسته» یک وظیفه است، برای مدیر فرهنگی نیز تدارک فعالیت‌ها و برنامه‌های مفید یک اصل اساسی به شمار می‌آید. فرهنگ در تار و پود زندگی در هم تنیده است؛ بنابراین باید کوشید تا زمان موجود نیز به گونه ای سامان یابد که از لحظه لحظه آن برای ترویج و تثبیت فرهنگ استفاده گردد.

«زمان آینده» سومین جنبۀ زمان شناسی است. از این حیث، دوراندیشی و آینده نگری برای مدیر فرهنگی ضروری است. یک مدیر فرهنگی باید تحولات و اوضاعِ پیش روی را به خوبی پیش بینی نماید و آمادگی مواجهه و رویارویی منطقی و صحیح با آنها را داشته باشد. افزون بر این، زمان ظرف تحقق اهدافِ مدیریت فرهنگی است که البته باید با تنظیم زمان بندی اهداف در انتظار آن بود. (لودین،١٣٨٠، صص ٤٨-٤٤)

شناخت زمان حال و آینده از این حیث مهم است که استعداد و آمادگی را برای مدیریت سازمان‌های فرهنگی به ارمغان می‌آورد. امام علیj می‌فرماید: «آن کسی که زمان را می‌شناسد، از آمادگی و استعداد لازم برای بهره‌گیری و مواجهه با آن غافل نمی‌ماند.» (سمنانی، ١٣٨٠، ص٦٦)

امام صادقj  نیز از جمله فواید زمان شناسی را این می‌داند که اشتباهات و شبه‌ها و لوابس فرد را فرا نمی‌گیرد و راه خروج از آنها را تدارک می‌بیند: «آن کس که زمان خویش را می‌شناسد و به مقتضیات آن وقوف دارد، هدف هجوم اشتباهات وقایع نمی‌شود».

در حقیقت ثمرۀ مهم زمان شناسی «بصیرت» است که بر رفتارهای دیگر مدیر تأیید می‌گذارد. پیامبر اکرمn از جمله ویژگی‌های انسان عاقل را بصیرت به زمان و احوال آن می‌داند. بصیرت به زمان، به معنای درک صحیح مقتضیات و موانع حال و آینده است. آن کس که به زمان بصیرت دارد و نیازها و ویژگی‌های ضروری زمان حال را می‌شناسد و بین نیازها و اقتضائات زودگذر و لحظه ای و نیازها و ضرورت‌های دائمی تفاوت می‌نهد، هرگز دچار جمود و تحجر نمی‌شود و می‌داند که چگونه باید با وضعیت‌ها و مسائل گوناگون مواجه شود.

فردی از اصحاب امام صادقj که نوع لباس و پوشش آن حضرت را متفاوت با لباس پیامبر گرامی اسلامs  و دیگر ائمۀ قبل از آن حضرت می‌دید، زبان به اعتراض گشود که به خدا قسم نه پیامبر گرامی اسلام و نه حضرت علیjو نه هیچ یک از پدران تو، چنین لباسی نمی‌پوشیدند، حضرت در پاسخ می‌فرمایند:

پیامبرsدر زمان تنگدستی و فقر مسلمانان زندگی می‌کردند و مراعات آن تنگدستی‌ها را می‌نمودند؛ در حالی که دنیا بعد از آن درهای نعمت را گشود و شایسته ترین افراد برای استفاده از نعمات دنیا، نیکوکاران هستند.سپس این آیه را تلاوت نمود: «بگو چه کسی زینت‌های الهی را که خداوند برای بندگان خود آفریده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است.» (اعراف/ ٣٢) سپس فرمود: «ما شایسته ترین افرادی هستیم که از نعمت‌های الهی استفاده می‌کنیم.»(اسدی، ١٣٨٠،صص ٧٧-٧٣)

**٢. دین محوری:**

منظور از این اصل، نقش محوری دین در فرهنگ است و مدیریت سازمان‌های فرهنگی باید با این ضابطه، فعالیت‌ها و برنامه‌های خود را تنظیم نماید. درست است که فرهنگ موجود در یک جامعه ممکن است با معیارها و ضوابط اسلامی همخوانی نداشته باشد، اما مدیریت سازمان‌های فرهنگی هیچ گاه به فرهنگ موجود در یک جامعه به عنوان مبدأ و مقصد نمی‌نگرد، بلکه سمت و سوی فعالیت‌ها و برنامه‌ها باید متوجه «فرهنگ ایده آل» باشد. در این صورت هر چند به یک باره با عناصر فرهنگی مغایر با ارزش‌ها و آرمان‌های موجود در یک اجتماع برخورد نمی‌شود، ولی کوشش بر آن است که در گذر زمان و با محوریتِ دین، جهت گیریِ دینی به فرهنگ و عناصر آن داده شود. امور فرهنگی اموری نیست که به یک باره و در مدت زمانی کوتاه بتوان آن را محو کرد و زدود. این امر مستلزم برنامه ریزی و زمان بندی و تدریج است. آنچه مهم است، این است که هم ارزشیابی عناصر فرهنگی و هم اتخاذ نوع مکانیزم‌ها و شیوه‌های مواجهه با آن، با معیارهای دینی انجام گیرد. آنچه در این میان مهم است، فهم صحیح از دین است. یک مدیر فرهنگی، باید قرائت صحیح و درستی از دین داشته باشد تا بتواند در نقد و تحلیل پدیده‌ها و عناصر فرهنگی به خوبی و درستی عمل نماید. از این رو، از جمله آموزش‌های لازم و ضروری برای مدیران فرهنگی، معارف دینی است، که البته باید همراه نوعی آموزش‌های کاربردی در نقد و تحلیل پدیده‌ها و عناصر فرهنگی از منظر دینی باشد. از منظر کلی باید انطباق و ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌های کلان فرهنگی که به مدیریت‌های فرهنگی زیر دست ابلاغ می‌شود، با معیارهای دینی، در سطح کلان حکومت انجام گیرد؛ زیرا بسیاری از خرده مدیریت‌های فرهنگی، توان و استعداد لازم را برای تحقق این مهم ندارند. به هر حال، اگر دین محوری، اصل و قاعدۀ مدیریت فرهنگی قرار نگیرد، از یک سو سبب می‌شود که فرهنگ یک جامعه سمت و سوی زوال و ابتذال در پیش گیرد، و از سوی دیگر، این به نابودی یکی از مهم ترین بخش‌های فرهنگ که همان دین باشد، منجر خواهد شد. در نقطه مقابل، دین محوری همراه تفسیرها و قرائت‌های ناصواب از دین و تطبیق نادرست عناصر و پدیده‌های فرهنگی با دین نیز نتیجه ای جز آنچه گفته شد، نخواهد داشت. نمونۀ عینی این دو جریان را که ناشی از عدم توجه دقیق به مفاد اصل دین محوری است، می‌توان در گذشته و اکنون جوامع و به ویژه جوامع اسلامی ملاحظه کرد.

دین محوری، افزون بر کارکردهای یاد شده، آمادگی لازم را برای مدیران سازمان‌های فرهنگی در مواجهه منطقی با پدیده انتقال و تبادل فرهنگی فراهم می‌آورد.با این معیار، هیچ گاه مدیر فرهنگی به نفی یا اثبات فرهنگ‌های دیگر برنمی خیزد، بلکه آنها را در این قالب، مورد ارزیابی قرار می‌دهد. از این رو، پشتکار و دقت عمل، نظم و انضباط، اهتمام به بهداشت و سلامت جسمی، رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی، توجه به کیفیت کالا و... که امروزه در فرهنگ‌های دیگر قوت بیشتری نسبت به فرهنگ رایج در جامعه ما دارد، تأیید می‌شود و فرهنگی نشدن این گونه امور در جامعۀ اسلامی جای تأسف دارد. ولی از سوی دیگر، نمودها و مظاهر منفی موجود در فرهنگ‌های بیگانه، نظیر همجنس بازی، بی حیایی و عدم عفاف، لا ابالی گری و... نیز مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

علامه محمد تقی جعفری در این باره معتقد است: «هر پدیده و فعالیت فرهنگی که با ارزش‌های متعالی انسانی، مانند اخلاقیات و مذهب ناسازگار باشد،فرهنگ اسلامی آن را نمی‌پذیرد؛ زیرا هر پدیده و فعالیتی که به نام فرهنگ در جامعه بروز کند و مخالف حیثیت و شرافت و شخصیت کمال طلب انسانی باشد،اگر چه در جذاب ترین صورت عرضه شود، فرهنگ اسلامی با آن مخالفت نموده و از عرضه و ترویج آن جلوگیری می‌نماید.» (جعفری،١٣٧٣، صص ١١٨-١١٣)

**٣. انسان مداری:**

انسانی بودن از جمله ویژگی‌های فرهنگ است. مدیریت سازمان‌های فرهنگی و تربیتی نیز به همین اعتبار، مدیریت انسانی است؛ البته مدیریت‌های انسانی -در انسانی بودن خود یعنی در میزان و نوع ارتباط با انسان‌ها و امور انسانی- شدت و ضعف دارند. گسترده ترین، عمیق ترین و شدیدترین نوع مدیریت انسانی،مدیریت فرهنگی است؛ زیرا هم گسترۀ آن محدود به یک قشر از انسان‌ها مثلاً نوجوانان و جوانان نمی‌شود، بلکه میان سالان و پیران از زن و مرد با هر قومیتی را پوشش می‌دهد، و هم به انسان بما هو انسان و با لحاظ همه جوانب و ابعاد آن توجه جدی دارد، نه این که وجه خود را تنها به یک بعد و ساحت انسانی محدود نماید. اصل انسان مداری در مدیریت فرهنگی ناظر به معنای یاد شده است. سر و کار مدیریت فرهنگی با عموم اقشار اجتماعی است و حتی اگر به ظاهر یک قشر خاص در معرض برنامه‌های مستقیم آن باشد، به طور غیرمستقیم و چه بسا اساسی تر، سایر اقشار نیز در دیدرس و دامنۀ برنامه‌ها و فعالیت‌های او قرار دارند. به همین جهت در مدیریت‌های فرهنگی مدارس و مساجد و فرهنگ سراها، اثر برنامه‌هایی که برای نوجوانان طراحی می‌شود، هیچ گاه به خود نوجوان محدود نمی‌شود، بلکه خانواده آنان را نیز متأثر می‌سازد؛ همچنان که برای تأثیرپذیری و شرکت فعال نوجوانان در این گونه فعالیت‌ها و برنامه‌‌ها، هماهنگی و همراهی خانواده‌ها نقش بسیار مؤثری ایفا می‌کند.

وجه دیگر انسان مداری در مدیریت سازمان‌های فرهنگی، شناخت ابعاد انسانی و ساحت‌های اوست. مدیر سازمان فرهنگی باید اطلاع درست و دقیق و کافی از ماهیت انسان و ابعاد و نیازهای انسانی او داشته باشد. برنامه‌های عبادی -به معنای اخص- برنامه‌های اجتماعی، برنامه‌های ورزشی، نقاشی و استفاده از زیبایی‌های طبیعت، برنامه‌های تفریحی و... هماره باید در دستور کار مدیران قرار گیرد. برنامه‌هایی که در جهت تقویت ابعاد جسمی، زیبایی طلبی و جمال خواهی و... است؛ گاه نادیده انگاشته می‌شود و بیشتر بر برنامه‌های عبادی به معنای اخص تکیه می‌کنند و دقیقاً یکی از علل ناکارآمدی و افت تأثیر عملکرد مدیریت‌های فرهنگی و تربیتی ما همین مسئله است؛ در حالی که مقتضای روایات و متون اسلامی توجه جامع و همه جانبه به انسان حتی در برنامه‌های فردی است.

وجه دیگر انسان مداری در مدیریت سازمان‌های فرهنگی، شناخت مبانی و ساز و کار تأثیرگذاری بر انسان و به اصطلاح دقیق هدایت انسان است. ضرورت شناخت مبانی و مبادی رفتارهای انسانی و کیفیت سمت و سو دادن به فعالیت‌های انسانی، برخاسته از همین اصل انسان مداری است، تا کیفیت و چگونگی نحوه شکل گیری باورها، احساسات و عواطف و افعال و رفتارهای انسانی را ندانیم و از چند و چون آن آگاه نباشیم، هرگز در دستیابی به اهداف مدیریت فرهنگی موفق نخواهیم بود. دقیقاً از همین منظر است که ماهیت برخی از فعالیت‌ها و برنامه‌های تربیتی و فرهنگی بیشتر شباهت به مدیریت‌های صنعتی و بازرگانی دارد و از این جهت به شکست و ناکامی می‌انجامد.

در این جا، به لحاظ اهمیت این وجه از انسان مداری، یکی دو نمونه از متون اسلامی را بیان می‌داریم. نمونه اول، کاربرد رفق و مدارا و ملاطفت و ملایمت در فعالیت‌ها و روش‌های مدیریت سازمان‌های فرهنگی است. این امر آن قدر حائز اهمیت است که خداوند متعال در قرآن کریم، پیامبر خویش را فرمان می‌دهد که برای هدایت انسان‌ها باید از این اصل به حد کمال بهره جوید و در مقام تعلیل، به یک مبنای انسان شناختی اشاره می‌کند و آن این که انسان‌‌ها، در مقابل درشتی و خشونت، سرسختی و لجاجت در پیش می‌گیرند. خداوند متعال می‌فرماید: «**فبما رحمة من الله لنت لهم و لو کنت فظاً غلیظ القلب لانفظوا من حولک**.»(آل عمران آیه ١٥٩) به برکت رحمت الهی در برابر ایشان نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی از اطراف تو پراکنده می‌شدند.

نمونۀ دوم توجه به مبادی رفتارهای انسانی این است که از نظر متون اسلامی با فرض ارضای نیازهای مادی و اولیه و جسمی انسان هاست که می‌توان انتظار رفتارهای متعالی برخاسته از میل و رضایت مخاطب را داشت و در چنین صورتی است که این گونه رفتارها تأثیرگذاری لازم خود را خواهند داشت. شاید وجه این که در متون اسلامی انجام فرایض به هنگام احساس گرسنگی، ادرار شدید و خستگی... (عدم وجود حالت جسمی و بدنی مناسب) منع شده است، همین نکته باشد. حال می‌توان دریافت که برنامه‌های فرهنگی برخی مدارس که مثلاً در اوج سرمای زمستان، آن هم بدون همراه کردن جذابیت‌های لازم، صورت می‌گیرد، چه اندازه مفید و مؤثر است. همچنین است ناکامی مدیریت برخی از مساجد و هیئت‌های مذهبی که گاه جلسات مذهبی را طولانی کرده، همه را به زحمت می‌اندازد.

وجه دیگر انسان مداری در مدیریت سازمان‌های فرهنگی، توجه به ابعاد، ریشه‌ها و عوامل روابط و ارتباطات انسانی است. مدیریت فرهنگی جدا از آن که با انسان‌ها ارتباط دارد، شدیداً در جهت فرهنگی کردن روابط انسانی گام بر می‌دارد و این مستلزم شناخت دقیق و کافی از ماهیت روابط انسانی است. (سازمان امور اداری و استخدامی،١٣٦٩، صص ٩١-٨٦)

**٤. انعطاف و پویائی در عین پافشاری بر اصول:**

محتوای فرهنگ را می‌توان به دو دسته ثابت و متغیر تقسیم کرد، که بخشی از این به تنوع و تکثر نیازهای آدمی و شیوه‌های گوناگون پاسخگویی به آنها باز می‌گردد و بخش دیگر، ناشی از همجواری یک فرهنگ با فرهنگ‌های دیگر و تعامل و تبادل و گاه تزاحم با فرهنگ‌های دیگر است. از سوی دیگر فرهنگ اساساً وجه مشخصه و ممیزه یک جامعه از جامعه دیگر و عامل هویت دهنده به اعضای آن جامعه است. با لحاظ همین نکات است که وظایف مدیریت فرهنگی، بسیار دشوار می‌نماید؛ زیرا از سویی وظیفه حفظ فرهنگ و هویت فرهنگی یک اجتماع را بر عهده دارد و از سوی دیگر باید در جهت تکامل و پویایی آن بکوشد. انجام این مهم، از سویی نیازمند پای فشاری بر اصول و ثابتات فرهنگ، از سوی دیگر، انعطاف و پویایی در قبال عناصر متغیر فرهنگی است.

بدیهی است عکس این روند (انعطاف در مقابل ثابتات فرهنگی و جمود بر بخش متغیر فرهنگ) یا اتخاذ هر روند افراطی یا تفریطی دیگر (جمودورزی محض بر ثابتات و متغیرات، یا اساساً رویکردی انعطاف پذیر در همه موارد) نتیجه ای جز نابودی و اضمحلال فرهنگ، در پی نخواهد داشت. از این منظر شناخت دقیق ثابتات و متغیرات فرهنگی برای مدیران سازمان‌های فرهنگی، بسیار ضروری است. به همین جهت است که در متون اسلامی، نسبت به آداب و اخلاق دو رویکرد متفاوت را می‌توان ملاحظه کرد. منظور از اخلاق قواعد بایدها و نبایدهایی است که از منبع عقل یا وحی سرچشمه می‌گیرد و تضمین کننده سعادت انسان‌ها در دنیا و آخرت است و به هیچ وجه نباید ترک شود؛ در حالی که منظور از آداب، قواعد و سنت‌هایی است که به حکم ضرورت‌های اجتماعی در یک جامعه پذیرفته می‌شود. مثلاً رعایت عفت و حیا یک قاعدۀ اخلاقی است، همچنان که داشتن نظافت و تمیزی نیز یک قاعده اخلاقی است، اما نوع لباس یا مو یا حتی شیوه‌های جزئی انتظام به امور، بر حسب ضرورت‌ها و نیازهای زمانی و مکانی هر جامعه متفاوت است. به همین جهت گرچه باید همواره بر نظافت ظاهر تأکید داشت، اما این که آیا موی سر بلند باشد یا کوتاه یا این که لباس پشمینه، بلند یا کوتاه باشد، امری است متغیر و همچنان که نمی‌توان از انسان عادی انتظار داشت که در فصل زمستان، همان لباس تابستانی خود را بپوشد و اگر چنین کرد مورد سؤال قرار می‌گیرد، در برخی از امور فرهنگی متغیر نیز باید مطابق رویه و مذاق اجتماعی حرکت کرد.

امام علیj به فرزند خویش می‌فرماید: «فرزندم! هرگاه در میان قومی بودی آداب آنها را پاس دار». و در جای دیگر به عنوان یک قاعده در تربیت و فرهنگی کردن فرزندان می‌فرمایند:

«فرزندان خود را به رعایت آداب خویشتن وادار نکنید؛ زیرا آنها برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده اند».

تعبیر وادار نکردن در کلام امام علیj، بیانگر آن دسته از فعالیت‌ها است که فرهنگ را به حالت جمود و رسوب می‌کشانند و نتیجۀ آن، فرهنگ گریزی خواهد بود؛به ویژه آن که عملکرد مدیریت فرهنگی به سبب این گونه حرکت‌های قسری زیر سؤال می‌رود و حتی در آن بخش از فعالیت‌های صائب خویش نیز، موفقیت را آن چنان که باید و شاید، در نمی‌یابد. در نقطه مقابل، توجه دادن مخاطبان به انعطاف‌های عقلایی اسلام و برخوردی پویا و انعطاف پذیر، از جمله عوامل جذب افراد به فرهنگ اسلامی و موفقیت مدیریت فرهنگی است. مدیریت فرهنگی از منظر اسلامی نه مدیریتی کاملاً سیال، تابع و پیرو است که هر آنچه را که مردم در یک زمان بپسندند، تجویز کند و نه آن گونه است که هیچ رویکردی به تنوعات و خواست‌ها و امیال انسانی نداشته و به اصطلاح جامد و ثابت باشد. (اسدی،١٣٨٠، صص ١٣١-١٢٧)

**٥. مشارکت دادن همه افراد جامعه:**

از جمله اصول مهم مدیریت سازمان‌های فرهنگی استفاده مؤثر از آحاد اجتماع در برنامه‌های فرهنگی است. ماهیت برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی اقتضا می‌کند که از توان اجتماع برای پیشبرد اهداف فرهنگی استفاده شود. این امر از سویی ریشه در خود فرهنگ دارد؛ چه، فرهنگ یک امر اجتماعی است و بدون دخالت خود اجتماع هیچ فعالیت فرهنگی، به مقصد و مقصود خود نمی‌رسد. به بیان دیگر فعالیت‌ها و برنامه‌های فرهنگی هیچ گاه به حالت یک سویه و از جانب تعداد محدودی از افراد -به ویژه در قالب متصدیان دولتی- به مقصود و هدف خویش نمی‌رسد. طراوت، جذابیت، پویایی و نشاط فعالیت‌های فرهنگی، اقتضای مشارکت مخاطبان، هم در امر برنامه ریزی و هم در اجرای فعالیت‌ها را دارد. از سوی دیگر مشارکت اجتماعی، فعالیت‌های فرهنگی را از حالت کلیشه ای و خشک و بی روح خارج می‌سازد. افزون بر این، افراد و آحاد اجتماع، مهم ترین منبع و سرمایۀ لازم برای فعالیت‌های فرهنگی به شمار می‌روند.(الوانی،١٣٧٤،ص ٧٧)

وقتی به انبوه فعالیت‌های فرهنگی نظر می‌کنیم، لزوم توجه به مشارکت اجتماعی، بیشتر پدیدار می‌شود. البته مشارکت اجتماعی در قالب‌های گوناگونی امکان پذیر است؛ گاه این مشارکت در قالب کار گروه‌های سازمان یافتۀ رسمی و غیر رسمی انجام می‌گیرد و گاه، در قالب حرکت جمعی و گاهی به شکل امکان دخالت هر یک از آحاد اجتماع بدون هرگونه سازماندهی گروهی یا جمعی آنها امکان پذیر است. البته آنچه بیشتر مطلوب است، مشارکت‌های گروهی و جمعی خود جوش و تنها با حمایت‌های دولتی است. قدرت و توان این گونه مشارکت‌ها هرگز قابل مقایسه با گونه‌های دیگر نیست. بدین لحاظ نقش مدیریت سازمان‌های فرهنگی، بیشتر در قالب فعالیت‌هایی بروز می‌کند که انگیختگی و حمایت لازم را برای تشکیل جمعیت‌های سازمانی مستقل فراهم می‌آورد. پس «اصل امر به معروف و نهی از منکر» به عنوان یکی از اصول مسلم اسلامی، در مدیریت سازمان‌های فرهنگی باید شدیداً مد نظر قرار گیرد. این اصل همگان را به دخالت مؤثر در ترویج و تثبیت نیکی‌ها و پیرایش و زدودن زشتی‌ها از پیکر جامعه، ملزم می‌کند و مفاد آن مشارکت اجتماعی مؤثر آحاد اجتماع در فعالیت‌های فرهنگی است که با این دو هدف، همخوانی دارد. (سمنانی،١٣٨٠، صص ٨٠-٧٩)

استاد مطهری در برداشتی بسیار زیبا چنین عنوان می‌کند که :

«این وظیفه، جز در قالب گروهی به اهداف خود نمی‌رسد و درست است که هر کس می‌تواند، باید که امر به معروف و نهی از منکر نماید، اما هنگامی این فریضه شکل واقعی به خود می‌گیرد که به صورت گروهی -و نه فردی- انجام پذیرد.» (مطهری، ١٣٨٠، ص ١٦٦)

بدیهی است که لازمه پذیرش اصل مشارکت اجتماعی، آن است که وظایف زیر را برای مدیران سازمان‌های فرهنگی به رسمیت بشناسیم: (افروغ، ١٣٧٩، ص ٥٥)

لحاظ جایگاه، نقش و میزان امکان مشارکت گروهی در برنامه ریزی و فعالیت‌های فر هنگی.

تبلیغ و زمینه سازی فرهنگی- روانی لازم برای تحریک و ترغیب آحاد اجتماع به این فعالیت‌ها.

برداشتن موانع و محدودیت‌های مشارکت اجتماعی.

هدایت و کنترل صحیح مشارکت‌های گروهی سازمان یافته و غیر سازمان یافته.

تعیین نوع فعالیت‌هایی که می‌تواند در قالب مشارکت اجتماعی صورت گیرد.

تشویق و پاداش مشارکت جویان در فعالیت‌ها.

**٦. تقویت فرهنگ ملی:**

از جمله مسائل مهم در مدیریت سازمان‌های فرهنگی، توجه و اهتمام به اقتضائات و ویژگی‌های قومی و ملی است. آیا اساساً -و به ویژه با رویکرد دینی- جایی برای ملیت گرایی و قومیت محوری وجود دارد؟ برخی اساساً طرح مسائل قومی و ملیتی را مغایر با آموزه‌های اسلامی می‌دانند و معتقدند که آنگاه که فرهنگ،متصف به «اسلامی» می‌شود، دیگر این گونه مسائل جایی ندارد؛ ولی اگر توجه داشته باشیم که فرهنگ، امری هویت ساز است و در زمینه‌های شفاهی،جهان شناختی فلسفی و ارزشی، ضرورت‌ها و اقتضائات خاص هر منطقه، پیشینه، دیرینه و وضعیت محیطی و جغرافیایی خاص خود، ریشه دارد، این پنداره باطل خواهد شد. به بیان دیگر موضوع، فرهنگِ انسانِ مطلق نیست، بلکه انسانِ قرار گرفته در یک حیطۀ خاص با مؤلفه‌های اجتماعی، روان شناختی، زیستی و سیاسی، دینی و... خاص آن محیط است. این گونه امور چنان در شخصیت فرد نفوذ دارند که چشم پوشی از آنها و نادیده گرفتن آنها، نتیجه ای جز ناکامی در برنامه‌های تربیتی و فرهنگی ندارد. در حقیقت راه درست تربیت انسان‌‌ها، ورود از مجاری و ابواب اصلی است و فرهنگ ملی از جملۀ این مجاری است. وانگهی نمی‌توان از جنبه‌های مثبت و سازندۀ فرهنگ‌های ملی غافل بود. به بیان دیگر استفاده از استعدادها و پتانسیل‌های فرهنگی که از جمله آنها مواریث فرهنگی یک جامعه است، در جریان تربیت و هدایت انسان‌ها ضروری است. از این رو، حفظ، تقویت و استفاده از جنبه‌های مثبت فرهنگی ملی، در واقع تسهیل کنندۀ جریان تربیت است. (جعفری، ١٣٧٣، صص ١١٩-١١٧)

**٧. عقلانیت:**

در جهان بینی توحیدی اسلام، عقل و وحی (دین) دو منبع هدایت بشرند و هر کس و هر گروه که خواستار سعادت دنیوی و اخروی است، باید بکوشد تا از هدایت‌ها و راهنمایی‌های این دو منبع بهره گیرد. تمسک به یکی از این دو به تنهایی جامعۀ بشری را به سر منزل مقصود رهنمون نمی‌شود و اساساً تمسک به یکی، بدون دیگری در واقع تمسک نکردن به هر دو است؛ زیرا کسی که دین محوری و عمل به آموزه‌های دینی را شعار خویش قرار می‌دهد، گریزی از تمسک به عقل و آموزه‌های عقل سلیم ندارد و هر آن کس که حقیقتاً شعار عقلانیت مداری را مطرح می‌کند، به خوبی در می‌یابد که باید به آموزه‌های اصیل دینی تن در دهد. جای خوشبختی است که امروزه، عقلانیت مداری به عنوان یک اصل فراگیر در جهان و به ویژه در حوزه علوم انسانی در حال استقرار است؛ اما متأسفانه طراحان اصلی این شعار به تمامی مفاد و محتوای آن پایبند نیستند. (منصوری،١٣٨٢، صص ٤٤-٤٣)

پذیرش عقلانیت مداری در مدیریت سازمان‌های فرهنگی نیز نه صرفاً یک شعار، بلکه تن دادن به تمام لوازم آن است. برخی از لوازم عقلانیت مداری بدین قرارند: (افروغ،١٣٧٩، ص ٩٠)

کنار گذاشتن تعصبات قومی، قبیله ای و فرقه ای و داشتن روحیه نقد پذیری

در پیش گرفتن رویکردی اندیشمندانه و عاقلانه در مواجهه با پدیده‌ها و جریانات فرهنگی داخلی و خارجی؛  از این منظر نه همۀ آنچه امروز در جوامع اسلامی دیده می‌شود قابل دفاع است و نه همۀ آنچه در فرهنگ غربی مطرح است، قابل رد و نقد

در پیش گرفتن روش‌ها و شیوه‌های مدبرانه و حکیمانه در برنامه ریزی، اجرا و ارزشیابی فرهنگی.

**٨. جذابیت بخشی:**

در واقع جذابیت بخشی و کاستن از سختی‌ها و دشواری‌‌ها، عمل به آموزه‌های فرهنگی و دینی است؛ به گونه ای که مخاطبان، به آموزه‌های فرهنگی، اقبال نشان داده، به صورت آزادانه و از روی رغبت و میل آنها را پذیرا می‌شوند. این امر به ویژه وقتی با آموزه‌های فرهنگ دینی سر و کار داریم، بسیار مهم و کارساز جلوه می‌کند؛ زیرا آموزه‌های دینی متضمن تکلیف است و در قالب حلال و حرام و وجوب و حرمت و استحباب و کراهت به نوعی فرد را به انجام کاری وا می‌دارد یا از انجام کاری نهی می‌کنند. این امر اگر با مکانیزم‌های جذابیت بخشی همراه نباشد، چندان قرین به موفقیت نخواهد بود. ترسیم چهره و جلوه زشت اعمال حرام و در نقطه مقابل، ارائه تصویری زیبا و دلنشین از اعمال واجب، اکتفا نکردن به بیان حرام‌های خداوندی و توجه بیشتر به بیان جایگزین‌ها و حلال‌های خداوندی، ترسیم چهره اخروی نیکوکاران، تبیین دقیق پیامدهای شوم اعمال حرام و تشریح آثار بسیار مثبت و سازنده اعمال واجب و مستحب و دیگر روش‌هایی که در قرآن و کتب روایی آمده است، می‌تواند چهره زیبا و دلنشین آموزه‌های فرهنگی اسلام را به مخاطبان عرضه دارد. (لودین، ١٣٨٠،  صص ١١٢-١١٠)

افزون بر این، در نحوه و شکل ارائه آموزه‌ها و معارف دینی نیز باید جذابیت بخشی را مدنظر قرار داد؛ مثلا ارائه قرآن به قالب‌های شکلی و صوری بسیار زیبا،قرائت قرآن و اذان توسط قاریان و مؤذنانی که صوت دلنشین دارند، تبلیغ معارف و احکام دین، توسط عالمانی که علاوه بر داشتن سیما و صدای خوش، عمل به آموزه‌های اسلامی را همواره مدنظر قرار می‌دهند و... از جمله راهکارهای این مهم می‌باشد. بدیهی است عدم رعایت این گونه جذابیت‌‌ها، فرهنگ پذیری آموزه‌های اسلامی را با مشکل مواجه می‌کند.

رعایت جذابیت بخشی در ارائۀ آموزه‌های فرهنگی و دینی در مدیریت سازمان‌های فرهنگی، علاوه بر موارد یاد شده به تسهیل و آسان جلوه دادن و آسان گیری در آموزه‌های دینی نیز مربوط می‌شود. مراد از تسهیل، سهل انگاری نیست، بلکه آسان گیری در عمل به آموزه‌های دینی است. متأسفانه گاه دینداری و فرهنگ دینی را آنچنان سخت و دشوار می‌نمایانند که هیچ گونه جذابیتی برای مخاطبان در بر ندارد. مثلاً اصرار و پافشاری بر عمل به مستحبات، می‌تواند جذابیت لازم را از آموزه‌های دینی بگیرد. (بخشنده،١٣٨١، صص ١٠٨-١٠٦)

**٩. تأکید بر جذب و پرهیز از دفع:**

مدیریت سازمان‌های فرهنگی باید بکوشند تا هر چه بیشتر بر تعداد علاقه مندان و شیفتگان به فرهنگ اسلامی بیفزایند؛ حتی از منظری وسیع تر باید کوشید تا کلیّه کسانی که به فرهنگ ادیان توحیدی، اعتقاد و باور دارند و وجه مشترکشان در این است که دین آسمانی و خدای واحد را می‌پرستند، در کنار هم و یار و همکار قرار داد و با هر بهانه که باعث تضاد و رویارویی آنها می‌شود، مقابله کرد. این موضوع در حوزۀ داخلی کشور ما از چند جهت، حساسیت بیشتری دارد:

یکی بحث اتحاد شیعه و سنی است که پس از انقلاب شدیداً بر آن تأکید می‌شود و امری بسیار حیاتی و ضروری است. از این نظر، مدیریت سازمان‌های فرهنگی باید با هر گونه فعالیتی که باعث رویارویی و دفع افراد از فرهنگ اسلامی می‌شود، پرهیز کنند.

نکتۀ مهم تر، در حوزۀ فعالیت‌های سازمان‌های فرهنگی و تبلیغی غالب کشور است که باید بنابر جذب افراد باشد، حتی اگر در کمترین درجۀ دینداری-‌از نظر ما- باشند. در روایات اسلامی به شدت بر این نکته تأکید شده است که مبادا هم دیگر را به بی دینی متهم کنید و باعث گریزان شدن دیگران از خود شوید. در روایات، ایمان به نردبانی تشبیه شده است که هر کس فراخور استعداد و تربیت خویش بر روی پله ای از آن ایستاده است و کسانی که در پله‌ها و مدارج بالاتری قرار دارند، نباید به کسانی که در پله‌ها و مدارج پایین تری هستند، نسبت بی دینی دهند که باعث رنجش خاطر و دفع آنها از دایرۀ دینداران گردد.

حتی از منظری عمیق تر و با مطالعۀ روایات اسلامی، می‌توان دریافت که اصل جذب به عنوان یک اصل مهم فرهنگی در مواجهه با کسانی که اندیشه‌های التقاطی نیز دارند، مطرح است، و این امر آن قدر کارساز است که اگر مخاطبینی از این دست را به حوزه دینداران واقعی نکشاند، دست کم به پاکی و صداقت و شایستگی‌های مسلمانان و والایی اسلام اعتراف خواهند کرد. (سازمان امور اداری و استخدامی،١٣٦٩، صص ٨٩-٨٦)

**د) اهمیت نماز در زندگی و تأثیر سازمان‌های فرهنگی در تعامل مسجد و خانواده:**

موضوع نماز و مسجد که بخش مهمی از این تحقیق را به خود اختصاص داده است و در پی بررسی تعامل آن با خانواده و نقش سازمان‌های فرهنگی می‌باشیم، با توجه به نکات زیر اهمیت خاصی می‌یابد:

نماز خواندن، انسان دارای ایمان به خدا را به اصل فطرتی که خدا دردرون او قرار داده است و خمیر مایه اورا با آن سرشته است، باز می‌گرداند و این امر یعنی بازگشت به تعادل، زیرا انسان از روزی که از اصل خویش جدا شد، از درد فراق می‌نالد، مگر این که از این جدائی و فراق رهائی یابد و با یاد و فکر روز وصل به خویش آرامش ببخشد. (دشتی، ١٣٧٨، ص ٤٤)

هرقدر که انسان در دنیای پیشرفت فن آوری، غرق تظاهرات زندگی مادی و رفاه ظاهری و ارضای خواسته‌های جسمانی خود گردیده و از اندیشه‌های اصیل و عمیق فطری خویش فاصله پیداکرد، افقی مبهم تر از گذشته فراروی خود مشاهده نمود و خود را تنهاتر از همیشه و جدا از واقعیات وجودی و معنوی خویش در وادی هولناک و بی پناهی، رها و سرگردان یافت. این احساس تنهائی، سردرگمی و سرگردانی ازیک طرف و رو به رو شدن با پوچی‌های ناشی ازدوربودن از فطرت و طبیعت اصیل انسانی، انسان‌ها را دچار انواع درهم ریختگی فکری و مسائل و مشکلات گوناگون روحی و رفتاری نموده است، به طوری که او مهم ترین و آشکارترین ویژگی زمان را حالت اضطراب و تنش عمومی ارائه می‌نماید. بدون شک نماز خواندن نیز به منزله یکی از مهم ترین جلوه‌های عبادت و فرائض مذهبی نقشی مهم در این زمینه ایفا می‌کند. انسان با نماز خواندن، با کسی آشنا و مانوس می‌شود که همواره و همه جا انیس و همراه اوست و هرگز احساس تنهائی نخواهد کرد. در واقع خداوند نماز را انیسی برای انسان قرار داد که اگردر قله کوهی تنها باشد، وحشتی نداشته باشد.  (مظلومی، ١٣٦٤، صص ٦٧-٦٦)

انسان بوسیله نماز خواندن، امکانات موجود خود را وسعت می‌دهد زیرا بدون نماز خواندن، انسان محدود و محصور دراین جهان مادی و دنیائی است که امکاناتش محدود است، ولی با ایمان به خدا و به جای آوردن نماز، به منبع علم، حکمت، قدرت، عزت، لطف و رحمت بی انتهای او متصل می‌شود،بطوری که همه چیز را از او می‌طلبد و از هیچکس و هیچ چیز ترس، نگرانی و اضطرابی ندارد.

یکی از مهم ترین نیازهای انسان، داشتن اراده قوی و متمرکز برای پیشرفت در یک موضوع و در مجموع برای پیشرفت در زندگی است. انسان بدلایل مختلفی از قبیل عدم شناخت کافی نسبت به امکانات و محدودیت‌های خود، عدم اعتماد به خود و اطرافیان؛ از اراده قوی و منسجم برخوردارنیست و دچار تزلزل و ناپایداری متناوب است. آنچه که می‌تواند انسان را از این وضعیت رهائی بخشد، درآویختن به ریسمانی محکم همچون ایمان به خدا و عبادت اوست و زیباترین جلوه عبادت خدا یعنی نماز دراین میان نقشی مهم و حیاتی ایفا می‌کند. (مطهری، ١٣٧٤، صص ٨٩-٨٨)

درحالت شک و تردید ماندن در مورد هر چیزی، اضطراب آفرین است زیرا در مفهوم شک، دودلی و تزلزل خوابیده و شک همان تردد درونی است. هم آرامش و راحتی در یقین است و هم در برابرش اندوه و اضطراب در شک است، چون شک و یقین ضد هم هستند و اضطراب و آرامش هم ضد یکدیگر.

ازاین رو باید انسان از مرحله شک عبور کرده و به مرحله یقین رسد. یقین علمی است در درجه نهایت، به نحوی که هیچ گونه شک و تردیدی در آن راه ندارد.کسی که به یقین نائل می‌شود، هستی اشیاء و موجودات را به چشم دیگری می‌نگرد. گرچه دست یافتن به چنین حالتی ساده و راحت نیست ولی ایمان به خدا و عبادت او به ویژه فریضه نماز خواندن، تاحدزیادی در رفع شک و شبهه و ایجاد یقین مؤثر است، چرا که از این طریق انسان به اطمینان خاطر می‌رسد و خود را از دام شک و شبهه آزاد و رها می‌یابد. (باقری، ١٣٧٩، ص١٨٤)

از سوی دیگر نهادهای فرهنگی جامعه و تأثیری که بر خانواده‌ها دارند، بسیار مهم و کلیدی است. پیوند نماز و مسجد با موضوع پرورش، بسیار ضروری است و پرداختن به بعد پرورش حتی در کشورهای پیشرفته نیز حائز اهمیت فراوان است. مقام معظم رهبری بر همین مبنا می‌فرمایند:

«مهم ترین کارى که باید امروز در کنار قاعده سازى انجام بگیرد، این است که به مقولۀ پرورش- به هر شکلى- اهمیت داده شود؛ نه چون ما مسلمانیم، مسئله فقط این نیست. امروز در دنیاى غربِ از لحاظ دانش و فناورى پیشرفته، مسئلۀ پرورش در بسیارى از کشورها جزوِ آن مبانى اصلى است؛ مسئول و مأمور پرورشى وجود دارد. به پرورش اهمیت مى‏دهند. پرورش فقط دین دار شدن و عمق ایمان یافتن نیست که ما دنبالش هستیم. پرورش تأثیر خودش را در رفتارها، برخوردها،رشد شخصیت، تقویت اعتماد به نفس و جوشاندن چشمۀ استعداد نشان مى‏دهد. بنابراین مسئلۀ پرورشى، یک مسئلۀ مهم است.» (خامنه‌ای،١٣٨٥، ج٦، صص ٦٧-٦٦)

تأثیر سازمان‌های فرهنگی جامعه در گرایش خانواده‌ها به نماز و مسجد را می‌توان بویژه در تزکیه جوانان و نونهالان جستجو نمود که مقام معظم رهبری نیز به خوبی مورد تأکید قرار می‌دهند: «تزکیه خیلى والاست. تزکیه، یعنى تربیت. گنجینه‏هاى ملت -یعنى کودکان و نوجوانان و جوانان- در دست شماست؛ هیچ گنجى از این بالاتر نیست. اگر از استعداد اینها در راه پرورش فکرى و رشد علمى استفاده نشود؛ یا رشد علمى پیدا کنند، اما از لحاظ انسانى و اخلاقى و تربیتى انسان هاى منحرف و معوجى بار بیایند؛ انسانى بى‏اعتقاد و بى‏اعتناى به همه موازین اخلاقى باشند؛ نه به ملت، نه به کشور، نه به مردم، نه به اسلام و انقلاب،نه به خدمت‌گزاران و مسئولان کشور و نه به سرنوشت و تاریخشان هیچ اعتنایى نداشته باشند؛ اینها هر چه هم عالم باشند، این علم ارزش منفى دارد؛ یعنى میزان علم هر چه بیشتر شد، ضربه و ضررش هم بیشتر خواهد بود. بنابراین باید براى تربیت دانش‏آموزان هم خیلى اهمیت قائل شد.» (خامنه‌ای، ١٣٨٥، ج٢،ص٨٩)

اهمیت سازمان‌های فرهنگی در گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد تربیت جوانان بیدار و مؤمن تا آنجاست که مقام معظم رهبری نیز با درایت کامل به این مسئله اشاره دارند: «همه تلاش شما باید این باشد که جوان مسلمان و مؤمن و بیدار تربیت کنید. همّت شما عزیزان امور تربیتى در درجه اوّل این باشد که جوان را مؤمن، آگاه، روشن‏بین در مسائل دینى و پایبند به معارف و عمل اسلامى بار بیاورید. آینده کشور این‏گونه تأمین خواهد شد. وسوسه دشمنان براى ایجاد تشکیک در اعتقادات جوانان را، زمزمۀ خصمانه به حساب آورید و نگذارید در کارشان موفّق شوند. سرگرم کردن جوانان به چیزهایى که جوانان دنیا پیش از جوانان ما به آنها سرگرم شدند و امروز تاوانش را پس مى‏دهند، کمک به نسل جوان این کشور نیست. عدّه‏اى سعى مى‏کنند جوان ایرانى را با بهانه‏هاى گوناگون، به سمت مسائل سرگرم کننده، موسیقی هاى مضر، سرگرمی هاى جنسى و از این قبیل سوق دهند. این همان لجن‌زارى است که جوان غربى را در خودش غرق مى‏کند؛ این چیز تقلید کردنى‏اى نیست. در مقابل این بایستید.» (خامنه‌ای، ١٣٨٥، ج٣، ص٤٥)

از دیدگاه مقام معظم رهبری سازمان‌های فرهنگی جامعه در تعامل با خانواده‌ها و از جمله گرایش آنان به نماز جماعت و مسجد، باید تربیت نسل جوان را در محیطی همراه با سوق دادن آنان به اندیشیدن، تعقّل، اخلاق اسلامى، حلم، اجتناب از شتابزدگى و عجله در امور، اجتناب از تندخویى و اِعمال خشونت دنبال کند. ایشان می‌فرمایند: «از جمله چیزهایى که بخصوص در رابطه با جوانان، لازم است به آنها گفته شود و آنها به آن هدایت شوند، سوق دادن آنان به اندیشیدن، تعقّل، اخلاق اسلامى، حلم، اجتناب از شتابزدگى و عجله در امور، اجتناب از تندخویى و اِعمال خشونت است. در محیط اسلامى آن وقتى مى‏شود حقایق را به اعماق دل‌ها نفوذ داد که زبان لیّن، رفتار اندیشمندانه و عاقلانه در میان باشد و حلم وجود داشته باشد. جوانان را جوانانِ پرداخته و ساخته امّت اسلام و اخلاق اسلامى بار آورید. اینها لازم است.» (خامنه‌ای، ١٣٨٥، ج١،ص٩٠)

موضوع تعامل مسجد و خانواده ریشه در نقش و اهمیت خانواده در تربیت فرزندان دارد. تربیت دینی در محیط خانواده دارای دو شیوه اساسی کلامی و نمادین است که هر یک در تربیت کودک نقش اساسی دارد. به طور خلاصه، به آن‌ها اشاره می‌شود: (سادات، ١٣٦٨، صص ٩٠-٨٧)

**١.شیوه کلامی:**

منظور از شیوه کلامی (دستوری - بیانی) امر و نهی‌های والدین و دیگر اعضای خانواده است که نسبت به بایدها و نبایدهای دینی کودک صورت می‌گیرد؛ یعنی: به آنچه پدر و مادر در مورد انجام احکام و کارهای دینی به کودک دستور می‌دهند «شیوه کلامی» تربیت گفته می‌شود. این نوع تربیت به نوبه خود، در رشد و شکوفایی حسّ دینی کودک تأثیر فراوان دارد؛ زیرا کودک در دوره کودکی وابستگی کامل به والدین دارد و با دید مثبت به آن‌ها می‌نگرد و هر چه از آنان دریافت کند، می‌پذیرد. گفتارهای والدین، اعم از دستوری و غیر دستوری، حتی سخنان معمولی آن‌ها در شکل گیری رفتار و افکار کودک مؤثر است و چه بسیار سخنان نامناسب و احیاناً دروغ‌‌ها، سرزنش‌ها و تهدیدهایی که در محیط خانه جریان می‌یابد در روح کودک اثر منفی می‌گذارد. بر این اساس، پدر و مادر لازم است درگفتار و دستورات خود به کودک، دقت نمایند تا عامل بدآموزی فرزندانشان نگردد.

**٢.شیوه نمادین (عملی):**

به آنچه کودک از اعمال و رفتار والدین و دیگر افراد خانواده یاد می‌گیرد بدون این که دعوتی از او شده باشد، «شیوه نمادین (عملی)» تربیت گفته می‌شود. این گونه یادگیری و تربیت به صورت پنهان صورت می‌گیرد و در شکل گیری شخصیت کودک بسیار مؤثر بوده و در عین حال، دارای دامنه گسترده ای است.

اساساً یکی از شیوه‌های تربیتی انبیاء، تربیت از راه عمل بوده و برای تربیت دینی مردم از آن استفاده می‌کرده اند؛ یعنی: پیش از آن که به مردم دستوری بدهند، خود به آن عمل می‌نمودند و برای مردم الگو قرار می‌گرفتند. بیش‌تر مردم و به ویژه کودکان، از رفتار ظاهری دیگران تقلید می‌کنند و یا پس از مشاهده رفتار آن‌ها دست کم، زمینه تربیت کلامی برایشان فراهم می‌شود. پیامبر اعظمn نیز در موارد متعددی، مانند تعلیم نماز و حج، از این شیوه استفاده کردند و فرمودند: «نماز بگزارید، آن گونه که می‌بینید من نماز می‌گزارم.»

استفاده از شیوه غیر کلامی و عملی در تربیت دینی کودک نیز بسیار مؤثر است و باید در این زمینه، از آن بهره گرفت. دوره کودکی دوره وابستگی و اعتماد کامل کودک به والدین است و میزان تأثیرپذیری او از پدر و مادر بسیار عمیق و پابرجاست. از این رو برای تربیت دینی کودک فرصت مناسبی است. بیشترین ارتباط کودک در این دوره با والدین است و ارتباط در تمامی ابعاد پنهان و آشکار و کلامی و غیر کلامی آن زمینه ساز رشد و تحوّل کودک در جنبه‌های روحی و بدنی است. تنها الگوی مورد اعتماد کودک در این دوره، پدر و مادر است و تا آن جا که بتواند، خود را بر اساس رفتارهای آنان منطبق می‌سازد.(عباسی،  ١٣٧١،ص٨٩)

چشمان ظریف و تیزبین کودک مانند دوربین حسّاس از تمام صحنه‌های زندگی خانواده و به خصوص حرکات و رفتار والدین و دیگر اعضای آن، فیلم برداری می‌کند.از لبخندها، زمزمه‌ها و نوازش‌های والدین درس خوش بینی، امیدواری، اعتماد و محبّت می‌آموزد و به عکس، از تندی‌‌ها، بد رفتاری‌ها و عصبانیت‌های آن‌ها درس تندی و بداخلاقی می‌گیرد. معمولاً کودک سخن گفتن، آداب معاشرت، رعایت نظم یا بی نظمی، امانت داری یا خیانت، راست گویی یا دروغ گویی، خیرخواهی یا بدخواهی را در محیط خانه فرا می‌گیرد. اگر پدر و مادر به دستورات دینی اهمیت دهند، اهل عبادت، نماز، دعا، تلاوت قرآن و توجه به معنویات باشند، بدون شک،بر ابعاد روحی و دینی کودک تأثیر می‌گذارند.( عباسی، ١٣٧١، صص ٤٨-٤٧)

به همین دلیل، کودک سه یا چهار ساله هنگام مشاهده نماز والدین به نماز ترغیب می‌شود و مانند آنان به رکوع و سجده می‌رود. فرزندان کوچکی که همراه پدر و مادر به مساجد و حسینیه‌ها رفته در مجالس عزاداری امام حسینq شرکت می‌نمایند و مانند پدر و مادر خود را به حالت گریه در می‌آورند، همه حاکی از تأثیر عملکرد والدین بر رفتار دینی فرزندان است. اظهار این گونه رفتارها از کودک ناشی از تأثیر عمیق رفتار والدین بر جسم و روح اوست که غالباً تبدیل به ملکه می‌شود و تا پایان عمر در او باقی می‌ماند. از میان اعضای خانواده، مادر نقش بیشتری در تربیت کودک دارد؛ چرا که او نخستین کسی است که رابطه ای مستقیم با کودک دارد، نیازهای او را تأمین می‌کند و به خواسته هایش پاسخ می‌گوید. از این رو، کودک از عواطف، احساسات، نگرش‌ها و اندیشه‌های مادر بیش تر متأثر می‌شود و بر این اساس، وظیفه مادر در قبال تربیت دینی کودک سنگین تر است. (کریمی، ١٣٧٤، ص ١١٣)

تهذیب نفس و پرورش روانی افراد جامعه به ویژه نسل جوان، از اولین مأموریت‌های سازمان‌های فرهنگی در حکومت اسلامی است که این امر با استفاده از ظرفیت‌های بالای نماز و مسجد، به خوبی قابل اجراست. مقام معظم رهبری با تکیه بر لزوم تهذیب نفس و پرورش روانی افراد جامعه و برشمردن ابعاد سه گانه نماز در این جهت می‌فرمایند: «سه خصوصیت عمده در نماز هست که نقش برتر آن را در تهذیب نفس و پرورش روانى انسان‌ها پدید مى‏آورد:  نخست این‏که نماز،با شکلى که در اسلام براى آن معین گشته یعنى حرکات و اذکار مخصوص، بطور طبیعى نمازگزار را به دورى از گناه و آلودگى فرا مى‏خواند، دوم آن‏که در او روح پرستش و خضوع در برابر حضرت بارى تعالى را که محبوب حقیقى و فطرى هر انسان است، زنده مى‏کند و غبار فراموشى از این حقیقت درخشنده را که در ژرفاى فطرت او نهاده شده است مى‏سترد.  سوم آن‏که به جان و دل نمازگزار، آن آرامش و اطمینانى را که شرط اصلى موفقیت در همۀ عرصه‏هاى زندگى است، هدیه مى‏کند و تزلزل و اضطراب را که مانع بزرگى در راه اقدام مجدانه براى پرورش اخلاقى است، از او دور مى‏سازد.  هر یک از سه خصوصیتى که گفته شد در خور آن است که با تدبر و ژرف نگرى دیده و سنجیده شود و از این راه، بسیارى از معارف نماز آشکار خواهد شد.» (خامنه‌ای، ١٣٨١، ص ٨١)

خانواده، علاوه بر تریبت جسمی و علمی افراد بویژه جوانان و نونهالان، پرورش روح و آموزش ایجاد آرامش روانی را نیز بر عهده دارد که نماز و مسجد در ایفای این وظیفه، کمک‌های شایانی به خانواده‌ها می‌نماید و سازمان‌های فرهنگی با ایفای نقش مؤثر خود در این زمینه به بهترین وجه می‌توانند، در مرحلۀاول والدین و به تبع آنها نونهالان و جوانان را به نماز جماعت و مسجد سوق دهند. در این تحقیق به برخی از این نقش‌ها پرداخته می‌شود.

**هـ) نقش سازمان‌های فرهنگی در گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد:**

**روش تحقیق:**

با توجه به موضوع و هدف تحقیق و بر اساس موارد موجود درکتب روش تحقیق، روش این تحقیق پیمایشی می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل آماری یافته‌های خام تحقیق از میانگین و آزمون تی استفاده گردید. این امر به دلیل تأیید یا رد فرضیه صفر در هر فرضیه و قدرت بالای این آزمون آماری در انجام چنین کاری صورت گرفته است.جامعه آماری پژوهش فرهنگیان شهرستان نجف آباد می‌باشند.اعضاء جامعه در این تحقیق طبق اطلاعات موجود در آموزش و پرورش شهرستان نجف آباد،  ٣٠٠٠ نفر می‌باشد. تعداد افراد نمونه بر اساس جدول مورگان برآورد شده اند که در نتیجه برای یک جامعه ٣٠٠٠ نفری حجم نمونه ٣٤٠ نفر خواهد شد. برای دستیابی به نظرات نمونه تحقیق و همچنین امکانات محدود محقق، بهترین روش برای جمع آوری این اطلاعات، استفاده از پرسش‌نامه محقق ساخته می‌باشد. برای پنج سؤال موجود که هر کدام پنج متغیر داشته اند، پرسش‌نامه ٢٥ سؤالی طراحی و بین اعضای نمونه توزیع گردید.

**سؤالات تحقیق:**

نقش فرهنگی وزارت آموزش و پرورش در گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد چیست؟

نقش فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد چیست؟

نقش فرهنگی سازمان صدا و سیما در گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد چیست ؟

نقش فرهنگی حوزه‌های علمیه در گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد چیست؟

نقش فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد چیست ؟

**٣.یافته‌های تحقیق:**

**سؤال یک: نقش فرهنگی وزارت آموزش و پرورش در گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد چیست؟**

برای این سؤال متغیرهای برنامه ریزی برای حضور والدین در نماز جماعت مدارس، تبیین جایگاه نماز و مسجد در زندگی برای والدین به صورت حضوری و مکاتبه ای، مواجه نمودن والدین و دانش آموزان با خانواده‌های موفق در تعامل با مسجد، برگزاری ماهانه نقد و بررسی تأثیر تعامل خانواده و مسجد بر رفتار فردی و اجتماعی دانش آموزان، غنی سازی جلسات آموزش خانواده درباره اهمیت نماز جماعت و عملکرد مسجد از طریق به کارگیری متخصصین و کارشناسان؛ مطرح شده است.

جدول یک، نشان دهنده وضعیت پاسخ اعضای نمونه به متغیرهای مربوط می‌باشد:

**جدول ١: وضعیت پاسخگوئی افراد نمونه به سؤال یک**

|  |  |
| --- | --- |
| **متغیر** | **درصد** |
| **غنی سازی جلسات آموزش خانواده درباره اهمیت نماز جماعت و عملکرد مسجد از طریق به کارگیری متخصصین و کارشناسان** | **٩٠** |
| **تبیین جایگاه نماز و مسجد در زندگی برای والدین به صورت حضوری و مکاتبه ای** | **٨٦** |
| **برگزاری ماهانه نقد و بررسی تأثیر تعامل خانواده و مسجد بر رفتار فردی و اجتماعی دانش آموزان** | **٨٥** |
| **مواجه نمودن والدین و دانش آموزان با خانواده‌های موفق در تعامل با مسجد** | **٨١** |
| **برنامه ریزی برای حضور والدین در نماز جماعت مدارس** | **٧٨** |

تحلیل آماری یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، غنی‌سازی جلسات آموزش خانواده دربارۀ اهمیت نماز جماعت و عملکرد مسجد از طریق به کارگیری متخصصین و کارشناسان، مهم ترین نقش در گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد از سوی آموزش و پرورش به حساب می‌آید و در مجموع ٨٤ درصد اعضای نمونه،نقش‌های فرهنگی آموزش و پرورش در این زمینه را مهم می‌دانند.

**سؤال دو: نقش فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد چیست؟**

برای این سؤال متغیرهای بهره‌گیری از امکانات سمعی و بصری خصوصاً اینترنت، کتب و نشریات و برگزاری گردهمایی‌ها در داخل و خارج از کشور، ارسال رایگان کتب و نشریات مربوط به نماز جماعت و مسجد به مراکز فرهنگی، ایجاد و توسعه و حمایت از مؤسسات فرهنگی مؤثر در تعامل خانواده و مسجد، انجام مطالعات و تحقیقات پیرامون عوامل مؤثر بر جذب خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد و استفاده از نتایج حاصل در برنامه ریزی‌های فرهنگی، شناسایی و حمایت از مؤلفان و ناشرانی که به تألیف و چاپ کتاب در زمینه گسترش فرهنگ نماز جماعت و مسجد در بین خانواده‌‌ها، اشتغال دارند؛ مطرح شده است.

جدول دو، نشان دهنده وضعیت پاسخ اعضای نمونه به متغیرهای مربوط می‌باشد:

**جدول ۲: وضعیت پاسخگوئی افراد نمونه به به سؤال دو**

|  |  |
| --- | --- |
| **متغیر** | **درصد** |
| **انجام مطالعات و تحقیقات پیرامون عوامل مؤثر بر جذب خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد و استفاده از نتایج حاصل در برنامه ریزی‌های فرهنگی** | **٨٢** |
| **بهره‌گیری از امکانات سمعی و بصری خصوصاً اینترنت، کتب و نشریات و برگزاری گردهمایی‌ها در داخل و خارج از کشور** | **٨١** |
| **ایجاد، توسعه و حمایت از مؤسسات فرهنگی مؤثر در تعامل خانواده و مسجد** | **٧٨** |
| **ارسال رایگان کتب و نشریات مربوط به نماز جماعت و مسجد به مراکز فرهنگی** | **٧٧** |
| **شناسایی و حمایت از مؤلفان و ناشرانی که به تألیف و چاپ کتاب در زمینه گسترش فرهنگ نماز جماعت و مسجد در بین خانواده‌ها اشتغال دارند** | **٧٢** |

تحلیل آماری یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، انجام مطالعات و تحقیقات پیرامون عوامل مؤثر بر جذب خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد و استفاده از نتایج حاصل در برنامه ریزی‌های فرهنگی مهم ترین نقش فرهنگی در گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به حساب می‌آید و در مجموع ٧٨درصد اعضای نمونه، نقش‌های فرهنگی وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی در این زمینه را مهم و مؤثر می‌دانند.

**سؤال سه : نقش فرهنگی سازمان صدا و سیما در گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد چیست ؟**

برای این سؤال متغیرهای تهیه و پخش فیلم‌های سینمایی، پویانمایی و... مناسب جهت مقاطع سنی مختلف در راستای ترویج نماز جماعت و مسجد، ساخت برنامه‌هایی که نتایج نماز جماعت و ارتباط با مسجد را به صورت ترویجی و با شیوه ای جذاب انعکاس دهد، ساخت برنامه‌هایی در خصوص آشنا سازی خانواده‌ها با تأثیر نماز جماعت و مسجد بر عملکرد اعضای خانواده بویژه جوانان و نوجوانان، برگزاری مسابقاتی در خصوص آشنائی با فواید نماز جماعت و مسجد، تصحیح نگرش برنامه‌های صدا و سیما از رویکرد مادی گرائی به معنویت و نماز جماعت؛ مطرح شده است.

جدول سه نشان دهنده وضعیت پاسخ اعضای نمونه به متغیرهای مربوط می‌باشد:

**جدول ۳: وضعیت پاسخگوئی افراد نمونه به به سؤال سه**

|  |  |
| --- | --- |
| **متغیر** | **درصد** |
| **ساخت برنامه‌هایی در خصوص آشنا سازی خانواده‌ها با تأثیر نماز جماعت و مسجد بر عملکرد اعضای خانواده بویژه جوانان و نوجوانان** | **٨٤** |
| **تصحیح نگرش برنامه‌های صدا و سیما از رویکرد مادی گرائی به معنویت و نماز جماعت** | **٨٢** |
| **تهیه و پخش فیلم‌های سینمایی، پویانمایی و... مناسب جهت مقاطع سنی مختلف در راستای ترویج نماز جماعت و مسجد** | **٨١** |
| **ساخت برنامه‌هایی که نتایج نماز جماعت و ارتباط با مسجد را به صورت ترویجی و با شیوه ای جذاب انعکاس دهد** | **٨٠** |
| **برگزاری مسابقاتی در خصوص آشنایی با فواید نماز جماعت و مسجد** | **٧٨** |

تحلیل آماری یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، ساخت برنامه‌هایی در خصوص آشنا سازی خانواده‌ها با تأثیر نماز جماعت و مسجد بر عملکرد اعضای خانواده بویژه جوانان و نوجوانان، مهم ترین نقش فرهنگی در گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد از سوی سازمان صدا و سیما به حساب می‌آید و در مجموع ٨١ درصد اعضای نمونه، نقش‌های صدا و سیما در این زمینه را مهم و مؤثر می‌دانند.

**سؤال چهار : نقش فرهنگی حوزه‌های علمیه در گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد چیست؟**

برای این سؤال متغیرهای احیای مفاهیم قرآنی و تفسیر روشن آیات مربوط به نماز جماعت و مسجد، تفسیر و تشریح روشن و دقیق روایات و احادیث مربوط به نماز جماعت و مسجد، تبیین سیره پیامبر اعظم و ائمه اطهارb در زمینه نماز جماعت و مسجد، گنجاندن معیارهای اسلامی و قرآنی نماز جماعت و مسجد در آموزش طلاب، استخراج راهکارهای گرایش به نماز جماعت و مسجد از مباحث اخلاق و رفتار اجتماعی و فردی در اسلام؛ مطرح شده است.

جدول چهار نشان دهنده وضعیت پاسخ اعضای نمونه به متغیرهای مربوط می‌باشد:

**جدول ٤: وضعیت پاسخگوئی افراد نمونه به سؤال چهار**

|  |  |
| --- | --- |
| **متغیر** | **درصد** |
| **تبیین سیره پیامبر اعظم و ائمه اطهار**b**در زمینه نماز جماعت و مسجد** | **٧٤** |
| **احیای مفاهیم قرآنی و تفسیر روشن آیات مربوط به نماز جماعت و مسجد** | **٧٢** |
| **استخراج راهکارهای گرایش به نماز جماعت و مسجد از مباحث اخلاق اجتماعی و فردی در اسلام** | **٧١** |
| **تفسیر و تشریح روشن و دقیق روایات و احادیث مربوط به نماز جماعت و مسجد** | **٧٠** |
| **گنجاندن معیارهای اسلامی و قرآنی نماز جماعت و مسجد در آموزش طلاب** | **٦٨** |

تحلیل آماری یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، تبیین سیره پیامبر اعظم و ائمه اطهارb در زمینه نماز جماعت و مسجد مهم ترین نقش فرهنگی در گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد از سوی حوزه علمیه به حساب می‌آید و در مجموع ٧١ درصد اعضای نمونه، نقش‌های حوزه علمیه در این زمینه را مؤثر می‌دانند.

**سؤال پنج:  نقش فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد چیست ؟**

برای این سؤال متغیرهای در نظر گرفتن مجموعه مباحثی از نماز جماعت و مسجد در سرفصل‌های دروس دانشگاهی تمامی رشته‌ها به منظور آشنایی تخصصی جوانان با این موضوع، تهیه و ارائه اولویت‌های پژوهشی مطالعات راهبردی تعامل خانواده و مسجد برای موضوعات پایان نامه‌های رشته‌های علوم انسانی بصورت فراخوان به دانشگاه‌‌ها، شناسایی استعدادهای درخشان در رشته‌های مختلف علمی و معرفی آنها به مراکز تحقیقاتی جهت بهره‌گیری از قابلیت آنها در مطالعات راهبردی تعامل خانواده و مسجد در کشور، برنامه ریزی برای جذب متخصصان و صاحب‌نظران ایرانی داخل و خارج از کشور جهت تبیین علمی گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد، هماهنگی برنامه‌های فرهنگی نماز جماعت و مسجد در دانشگاه‌ها و مراکز علمی- پژوهشی با نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها؛ مطرح شده است.

جدول پنج نشان دهنده وضعیت پاسخ اعضای نمونه به متغیرهای مربوط می‌باشد:

**جدول ٥: وضعیت پاسخگوئی افراد نمونه به سؤال پنج**

|  |  |
| --- | --- |
| **متغیر** | **درصد** |
| **تهیه و ارائه اولویت‌های پژوهشی مطالعات راهبردی تعامل خانواده و مسجد برای موضوعات پایان نامه‌های رشته‌های علوم انسانی بصورت فراخوان به دانشگاه ها** | **٧٨** |
| **در نظر گرفتن مجموعه مباحثی از تعامل خانواده و مسجد در سرفصل‌های دروس دانشگاهی تمامی رشته‌ها به منظور آشنایی تخصصی جوانان با این موضوع** | **٧٦** |
| **برنامه ریزی برای جذب متخصصان و صاحب‌نظران ایرانی داخل و خارج از کشور جهت تبیین علمی گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد** | **٧٥** |
| **شناسایی استعدادهای درخشان در رشته‌های مختلف علمی و معرفی آنها به مراکز تحقیقاتی جهت بهره‌گیری از قابلیت آنها در مطالعات راهبردی تعامل خانواده و مسجد در کشور** | **٧٤** |
| **هماهنگی برنامه‌های فرهنگی نماز جماعت و مسجد در دانشگاه‌ها و مراکز علمی-پژوهشی با نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها** | **٧٢** |

تحلیل آماری یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، تهیه و ارائه اولویت‌های پژوهشی مطالعات راهبردی تعامل خانواده و مسجد، برای موضوعات پایان نامه‌های رشته‌های علوم انسانی بصورت فراخوان به دانشگاه‌ها مهم ترین نقش فرهنگی در گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به حساب می‌آید و در مجموع ٧٥ درصد اعضای نمونه، نقش‌های این وزارتخانه در این زمینه را مهم و مؤثر می‌دانند.

**و) نتیجه گیری و پیشنهادات :**

از بین نهادهای فرهنگی یاد شده در این تحقیق، ترتیب زیر نشان دهنده اهمیت آنها می‌باشد.

|  |  |
| --- | --- |
| عنوان | درصد |
| وزارت آموزش و پرورش | ٨٤ |
| صدا و سیما | ٨١ |
| وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی | ٧٨ |
| وزارت علوم، تحقیقات و فناوری | ٧٥ |
| حوزه علمیه | ٧١ |

**اولویت بندی نهادهای فرهنگی مؤثر در گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد**

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان** | **درصد** |
| **وزارت آموزش و پرورش** | **٨٤** |
| **صدا و سیما** | **٨١** |
| **وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی** | **٧٨** |
| **وزارت علوم، تحقیقات و فناوری** | **٧٥** |
| **حوزه علمیه** | **٧١** |

جدول بالا نشان می‌دهد نقش‌های فرهنگی مربوط به حیطه وظایف وزارت آموزش و پرورش مهم ترین نقش‌ها بوده است و پس از آن نقش‌های مربوط به حیطه وظایف صدا و سیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت علوم و تحقیقات وفناوری و حوزه علمیه در این رده بندی قرار می‌گیرند.

برای تحقق یافتن نقش‌های تربیتی مؤثر در گرایش خانواده‌ها به نماز و مسجد، پیشنهاد می‌گردد:

**وزارت آموزش و پرورش:**

آموزش و پرورش از جمله نهادهای بسیار مهم در زمینه ایجاد و نهادینه نمودن نقش‌های تربیتی نماز و مسجد در بین کودکان، نوجوانان و جوانان است. از آنجا که این نهاد مهم تربیت و آموزش نسل آینده را به عهده دارد شایسته است که به تربیت و آماده سازی این قشر عظیم در راستای فرهنگ اسلامی بپردازد.  ناگفته نماند که آموزش و پرورش در چند سال اخیر فعالیت‌های زیادی را در زمینه گسترش موضوع نمازجماعت آغاز کرده است، اما این امر باید به صورت ریشه ای و گسترده تر ترویج شود و برنامه و راهکار ارائه شود. بدین منظور این نهاد مهم تربیتی و فرهنگی می‌بایست؛ این مهم را با هدف راهبردی در برنامه هایش در نظر گرفته و پیاده کند. از جمله مواردی که می‌بایست به آن توجه کند بدین شرح است:

**آموزش خانواده**

خانواده سهم اصلی و مهمی را در تربیت فرزندان به عهده دارد و با توجه به پیوند و ارتباط اولیا و مربیان، خانواده‌ها می‌توانند کمک بزرگی در عملیاتی کردن برنامه‌های آموزش و پرورش در زمینه گسترش نماز جماعت و ارتباط با مسجد داشته باشند.

تعلیم خانواده‌ها جهت تربیت فرزندان بر مدار نماز و مسجد. در همین راستا می‌توان به راهکارهای ذیل اشاره کرد:

برگزاری جلسات آشنایی با نماز و مفاهیم آن در مدارس؛

تشویق فرزندان با هدایای حاوی مطالب نماز جماعت مانند: کتاب، لوح فشرده  و برچسب‌های تشویق و لوازم التحریر؛

ایجاد عادات خوب در فرزندان از جمله شرکت در نماز جماعت مدارس و مساجد.

آموزش فرزندان در مجامع فامیلی و دوستانه: مجامع و مجالس گفتگوهای فامیلی می‌تواند محملی مناسب برای آموزش ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی چون نماز جماعت و... باشد. اقوام و خویشان می‌توانند به هر بهانه ای به دور از هر گونه حب و بعض دور هم جمع شده و به جای صحبت‌های لغو و یا غیبت از دیگر اعضای فامیل با برگزاری جلسات با نشاط گفتگو خصوصاً محافل فرهنگی و اخلاقی، این صفات نیکو را در فرزندان خود پرورش دهند. خانواده‌ها می‌توانند در محافل و مجالس میهمانی‌های‌شان مقرر کنند که مثلاً هفته ای یک بار به صورت دوره ای به دعوت هر یک از فامیل و دوستان جلسات بررسی و ارزیابی نماز جماعت و آثار آن را برگزار نمایند. فایده این جلسات این است که علاوه بر دید و بازدید و انجام سنت پسندیده صله رحم، مجموعۀ مفیدی از مطالب اخلاقی و فرهنگی را هم خود و هم فرزندانشان می‌آموزند.

تهیه کتابخانه‌ای با کتاب‌هایی در خصوص نماز جماعت و مسجد با توجه به مقاطع سنی فرزندان به منظور بالا بردن فرهنگ کتاب‌خوانی.

**صدا و سیما:**

صدا و سیما از با اهمیت ترین نهادهای تربیتی کشور است به طوری که عضوی فعال از اعضای خانواده به شمار می‌آید و حضوری دائمی در خانه‌ها دارد. از طرفی «چشم و گوش حساس کشور است» (ماده ١٥- قانون خط مشی کلی و اصول برنامه‌های صدا و سیما- مصوب ١٣٦١ مجلس شورای اسلامی) و پل ارتباطی میان دیگر ارگان‌ها و مسئولین کشور با مردم است. لذا به نظر می‌رسد مسئولیتی خطیر نسبت به دیگر نهادها به عهده داشته باشد و بتواند بار بیشتری از این مهم را به دوش کشد.

از آنجا که مسائل خبری و تهیه برنامه‌های تربیتی، آموزشی و تبلیغی از جمله وظایف صدا و سیما است، لذا باید در انعکاس اخبار و انتقال فرهنگ نماز جماعت و مسجد به موارد ذیل توجه کند:

**برنامه‌های اجتماعی**

ساخت برنامه‌های مستند مرتبط با آثار نماز جماعت و مسجد.

تهیه و پخش فیلم‌های سینمایی، پویانمایی و... مناسب جهت مقاطع سنی مختلف در راستای ترویج فرهنگ نماز جماعت و مسجد.

**برنامه‌های آموزشی**

از آنجا که هر آنچه در دوران کودکی فرا گرفته می‌شود در ذهن کودک همچون نقش بر سنگ است؛ می‌بایست در زمینۀ آشنایی خانواده‌ها از تأثیر فرهنگ نماز جماعت و مسجد برنامه‌هایی را تدارک دید:

برنامه‌هایی در خصوص آشنایی تمامی اقشار جامعه با نماز جماعت و مسجد.

فیلم‌های انیمیشن در خصوص معرفی آثار نماز جماعت و مسجد.

برگزاری مسابقات مربوط به نماز جماعت و حضور در مسجد برای کودکان و نوجوانان

تولید و پخش میان برنامه‌های متعدد، متنوع و جذاب مربوط به آثار نماز جماعت و حضور در مسجد جهت پخش در همه شبکه‌های رسانه ای.

**برنامه‌های تربیتی و اخلاقی**

از جمله موانع گسترش فرهنگ نماز جماعت و مسجد، مرگ ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی در جامعه است. سازمان صدا و سیما می‌تواند نسبت به تهیه برنامه‌های ذیل اقدام نماید:

ساخت برنامه‌هایی که نتایج نماز جماعت و مسجد را به صورت ترویجی و با شیوه ای جذاب انعکاس دهد.

ساخت برنامه‌هایی که آثار دنیوی و اخروی نماز جماعت و حضور در مسجد را به نمایش بگذارد.

جلوگیری از نمایش فیلم‌های مخالف فرهنگ اسلامی و نماز.

برنامه‌هایی در خصوص بررسی آثار نماز جماعت و حضور در مسجد با استفاده از مفاهیم قرآن، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و ادعیه و زیارات.

**برنامه‌های فرهنگی**

نحوه عملکرد و تأثیر روزافزون فرهنگ بیگانه در زمان ما یکی از عوامل زمینه سازی بروز ناهنجاری‌ها و اعمال مخالف با ارزش‌های دینی و اسلامی است که این خود نمونه ای از موانع گسترش فرهنگ نماز جماعت و مسجد است. برخی از برنامه‌های پیشنهادی در این خصوص عبارتند از:

ساخت برنامه‌هایی در خصوص آشنا سازی مخاطبان خصوصاً نسل جوان با فرهنگ غنی اسلامی در زمینه آثار نماز جماعت و حضور در مسجد.

ساخت فیلم، تئاتر و مستندسازی در خصوص ارتباط تهاجم فرهنگی، نماز جماعت و مسجد.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی:

از جمله اهداف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی رشد فضایل اخلاقی، استقلال فرهنگی و مصونیت جامعه از نفوذ فرهنگ اجانب، اعتلای آگاهی‌های عمومی در زمینه‌های مختلف؛ از طرف دیگر رواج فرهنگ اسلامی در جامعه است. لذا این نهاد به عنوان سرخرگ حیاتی فرهنگ کشور می‌تواند کمک شایانی در تمهید شرایط گسترش نماز جماعت و حضور در مسجد نماید. برخی راهکارهایی که می‌تواند در این راستا طراحی و پیگیری شود از این قرارند:

شناساندن آثار نماز جماعت و حضور در مسجد از طریق:

بهره‌گیری از امکانات سمعی و بصری خصوصاً اینترنت، کتب و نشریات و برگزاری گردهمایی‌ها در داخل و خارج از کشور.

ارسال رایگان کتب و نشریات مربوط به نماز جماعت و مسجد به مراکز فرهنگی.

مطالعه و تحقیق در زمینه تبلیغات رسانه‌های جهانی و کشف روش‌های عملکرد آنان و اتخاذ شیوه مقابله با آنان در جهت پیشگیری از موانع گسترش نماز جماعت و حضور در مسجد. مصداق بارز این موانع تهاجم فرهنگی است. در همین راستا باید سیاست‌هایی از این دست اتخاذ شود:

جلوگیری ازترویج فرهنگ و اندیشه غربی، چرا که فرهنگ غربی، فرهنگی است با قدمتی کمتر از حدود یک سوم عمر فرهنگ اسلامی که به طور جدی تمامی ابعاد و عرصه‌های فرهنگ اسلامی را به همآورد طلبیده و با استمداد از  زر  و زور  و  تزویر سلطه‌ای بسان کف روی آب بر جهان یافته است. نهادهای فرهنگی مسلمان باید با طی طریق در همان مسیر مقابله با فرهنگ غرب در تمامی عرصه‌ها همت گمارند.

نظارت بر ورود و خروج وسایل سمعی و بصری، آثار هنری، مطبوعات و نشریات و کلیه موارد تبلیغی و فرهنگی و تجاری.

نظارت کامل بر فعالیت مطبوعات و نشریات کشور

جایگاه مطبوعات در جامعه به لحاظ اطلاع رسانی، جهت دهی و تنویر افکار عمومی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. وظیفه این نهاد نسبت به دیگر نهادها خصوصاً در ترویج اندیشه‌های غرب زده و تهاجم فرهنگی خطیر است. لذا می‌بایست در فعالیت‌های خود نهایت دقت را مبذول نماید. در این راستا وظیفه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چنین است:

تمرکز و بررسی اخبار و اطلاعات مربوط به نماز جماعت و مسجد جهت آسیب شناسی موضوعی و اتخاذ روش مقابله با آنان.

نظارت بر فعالیت مطبوعات کشور خصوصاً هفته نامه‌های اجتماعی برای جلوگیری از ترویج فرهنگ ابتذال و جریان‌های مخالف با فرهنگ نماز و مسجد.

تهیه آمار دقیق از کتاب‌های چاپ شده در زمینه نماز و مسجد و دسته بندی موضوعی آنان جهت انتشار و ارائه به مؤسسات فرهنگی کشور.

ایجاد و توسعه و حمایت از مؤسساتی که در زمینه فرهنگ نماز جماعت و حضور در مسجد فعالیت می‌کنند و تعیین وظایف و فعالیت‌های آنان.

همکاری با مراکز اسلامی و فرهنگی سایر کشورها خصوصاً کشورهای اسلامی به منظور:

اشاعه فرهنگ نماز جماعت و مسجد در سطح جهان اسلام.

اتخاذ تدابیر مشترک در جهت مقابله با آسیب‌های مادی مخالف فرهنگ نماز و مسجد و نحوه مقابله با آنها.

انعقاد قرارداد در زمینه مبادله دستاوردهای نماز جماعت و فعالیت مساجد و همکاری مشترک در انجام طرح‌های مربوط در حوزه‌های هنری، سینمایی، جهانگردی،خبری و مطبوعاتی.

ایجاد شبکه جهانی با همکاری سازمان‌های منطقه ای اسلامی جهت ترویج فرهنگ نماز جماعت و مسجد.

هر نوع بهره برداری از تأسیسات ایرانگردی و جهانگردی جهت ترویج نماز جماعت و مسجد.

ارائه نشریات و کتاب‌های جذاب و کارشناسی شده در زمینه نماز جماعت و حضور در مسجد به صورت رایگان در اماکن دیدنی به مسافران.

تهیه بروشورهایی در خصوص شناخت تأثیر نماز جماعت و حضور در مسجد و آثار چاپ شده در این مورد و توزیع آن در تمامی اماکن دیدنی جهت ارائه به مسافران.

تقویت روح تحقیق و تتبع و ابتکار در زمینه‌های نماز و مسجد از طریق:

شناسایی محققان نخبه در زمینه نماز جماعت و مسجد و گرامی داشت شخصیت‌های محقق این حوزه جهت تشویق، حمایت و انتشار آثار مربوط به آنان.

حمایت از طرح‌های پژوهشی با موضوع نماز جماعت و مسجد.

در نظر گرفتن فضایی اختصاصی در تمام کتابخانه‌های عمومی کشور در حوزه نماز و مسجد.

نظارت و پیگیری مستمر بر فعالیت‌های مخالف نماز جماعت و مسجد برای جلوگیری از تبلیغات سوء در جهت گرایش جوانان به این فعالیت ها.

چاپ و انتشارات:

شناسایی و حمایت از مؤلفان و ناشرانی که به تألیف و چاپ کتاب در زمینه نماز و مسجد اشتغال دارند و اختصاص دادن تسهیلات ویژه ای به آنها در نمایشگاه بین المللی کتاب و دیگر عرصه ها.

اختصاص دادن غرفه ای به آثارمربوط به نماز و مسجد از ناشران مختلف.

حمایت از نویسندگان در زمینه نماز و مسجد جهت چاپ، خرید و توزیع آثار آنها.

حمایت از مؤسسات، کانون‌ها و تولیدکنندگان آثار سمعی و بصری در زمینه نماز و مسجد.

حمایت از همایش‌های ترویجی نماز جماعت و حضور در مسجد.

تحقیق درباره اثرات وسایل ارتباط جمعی و سنجش میزان تأثیر برنامه‌ها و آثار تولید شده در خصوص نماز جماعت و مسجد در افکار عمومی با همکاری دستگاه‌های مربوط.

انجام مطالعات و تحقیقات پیرامون فرهنگ عمومی در زمینه نماز جماعت و حضور در مسجد و استفاده از نتایج حاصله در برنامه ریزی‌های فرهنگی در جهت بهبود کیفی و کمی امور محول شده.

تنظیم سیاست‌های کلی در خصوص مطالعات راهبردی نماز و مسجد، خصوصاً آسیب‌ها و آفات و موانع گسترش این فرهنگ و ارائه آنها به نهادهای مختلف.

**وزارت علوم، تحقیقات و فناوری:**

آموزش و پرورش که در مقطعی به آموزش و تربیت دینی کودکان و نوجوانان و نهادینه کردن ارزش‌های اخلاقی و اسلامی اهتمام دارد، در مقطعی دیگر این سرمایه عظیم و جوان را به وزارت علوم می‌سپارد تا در دانشگاه‌های کشور، دانش آموختگانی مسلمان، متعّهد، متخلّق، با هویت و آماده به خدمت پرورش دهد.برخی از نقش‌های مربوط به گسترش نماز جماعت و حضور در مسجد که می‌تواند در این نهاد پی گیری شوند عبارتند از:

در نظر گرفتن مجموعه مباحثی از نماز و مسجد در سرفصل‌های دروس دانشگاهی تمامی رشته‌ها به منظور آشنایی تخصصی جوانان.

برگزاری همایش‌ها و سلسله نشست‌های تخصصی در خصوص نماز جماعت و مسجد در دانشگاه‌های سراسر کشور.

تهیه و ارائه اولویت‌های پژوهشی مطالعات راهبردی نماز و مسجد برای موضوعات پایان نامه‌های رشته‌های علوم انسانی بصورت فراخوان به دانشگاه‌های سراسر کشور.

برنامه ریزی برای شناسایی استعدادهای درخشان و معرفی آنها به مراکز تحقیقاتی جهت بهره‌گیری از قابلیت و استعداد آنها در مطالعات راهبردی نماز و مسجد در کشور.

برنامه ریزی برای استفاده از نتایج و دستاوردهای مطالعات علوم انسانی و پایان نامه‌های دانشجویان جهت کاربرد در پیشگیری و مقابله با موانع گسترش فرهنگ نماز و مسجد.

برنامه ریزی برای جذب متخصصان ایرانی داخل و خارج از کشور برای بررسی راه‌های علمی گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد.

ایجاد فرصت و امکان برخورد سالم اندیشه‌ها و گسترده نمودن پژوهش در زمینه نماز جماعت و مسجد به منظور جلوگیری از تهاجم فرهنگی.

**حوزه علمیه:**

روحانیت در نظام اسلامی از جایگاه ویژه ای برخوردار است و در واقع یکی از عناصر اصلی مولد فرهنگ دینی است. حوزه‌های علمیه و روحانیان به عنوان پل ارتباطی دولت و مردم می‌توانند نقش تربیتی مهمی در گسترش فرهنگ نماز جماعت و مسجد ایفا نمایند خصوصاً پایگاه مرکز حوزه‌های علمیه که در شهر مقدس قم است می‌بایست تلاش بیشتری نماید.

آموزش تخصصی طلبه‌ها جهت شناخت آثار نماز جماعت و حضور در مسجد و تبلیغ آن در جامعه.

آموزش طلبه‌ها به عنوان تبیین گر مکتب اسلام و مرزبانی از احکام و قوانین دینی و تعمیق فرهنگ دینی جهت پیشگیری از عمل نکردن به احکام و دستورات قرآن در زمینه نماز و مسجد.

آموزش طلبه‌ها همگام با تحولات روز و تجهیز به فناوری اطلاعات از طریق :

آشنایی با اینترنت و زبان‌های خارجی.

برگزاری کارگاه‌ها و نشست‌های تخصصی در خصوص تعیین راهبرد دقیق و هدفمند در راستای پیشگیری و مقابله با موانع گسترش فرهنگ نماز و مسجد.

حفظ وحدت حوزه و دانشگاه با تعامل و بهره‌گیری از توانایی یکدیگر برای گسترش فرهنگ نماز جماعت و مسجد.

تربیت خطیبان مخلص و صالح برای تفهیم اهمیت وآثار نماز جماعت در مساجد جهت:

تبیین سیره پیامبر اعظمn  و ائمه اطهارb در زمینه نماز جماعت و اهمیت مسجد.

احیای مفاهیم قرآنی و تفسیر روشن آیات مربوط به نماز جماعت و مسجد.

تفسیر و تشریح روشن و دقیق روایات و احادیث مربوط به نماز جماعت و مسجد.

**منابع و ماخذ :**

اسدی، علی، فرهنگ پذیری در آیینة روایات، پایان نامة کارشناسی ارشد مؤسسة امام خمینیv، ١٣٨٠.

افروغ، عماد، فرهنگ شناسی و حقوق فرهنگی، چاپ اول، تهران: موسسه فرهنگ و دانش، ١٣٧٩.

الوانى، سیدمهدى،  مدیریت عمومى، تهران: نشر نى، ١٣٧٤.

امینی، ابراهیم، آیین تربیت، قم :  انتشارات اسلامی، ١٣٧٩.

باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه، ١٣٧٩.

بخشنده، فرهاد، اصول طراحی برنامه های فرهنگی، تهران : نشر تیراژه، ١٣٨١.

پارسا، محمد، روان‌شناسی کودک و نوجوان، تهران: انتشارات بعثت، ١٣٦٨.

جعفری، محمد تقی، فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو، تهران : انتشارات علمی فرهنگی، ١٣٧٣.

خامنه ای، سید علی، فرهنگ و تهاجم فرهنگى برگرفته از سخنان مقام معظم رهبرى، تهران: سازمان مدارک فرهنگى انقلاب اسلامى، ١٣٧٣.

خامنه ای، سیدعلی، مجموعه پیام ‏هاى مقام معظم رهبرى به اجلاس‏هاى سراسرى نماز، تهران: ستاد اقامه نماز، ١٣٨١.

خامنه ای، سید علی، حدیث ولایت، تهران : سازمان تبلیغات اسلامی، ١٣٨٥.

دشتی، محمد، مسئولیت تربیت، قم: انتشارات نهج البلاغه، ١٣٧٨.

دلشاد تهرانی، مصطفی، دولت مهدی، سیرت مهدی، چاپ پنجم، تهران: دریا، ١٣٨٢.

سادات، محمدعلی،  اخلاق اسلامی. تهران: انتشارات سمت، ١٣٦٨.

سازمان امور ادارى و استخدامى کشور، اصول و مبانى مدیریت اسلامى، تهران، ١٣٦٩.

سمنانى، غلامرضا، تحلیلى از مدیریت اسلامى در پنج سال حکومت علی، قم : نشر بوستان، ١٣٨٠.

شاکری نیا، ایرج، دین، نیاز دیروز، امروز و فردای انسان، مقاله ارائه شده در همایش دین و دنیا از منظر امام علیj، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ١٣٧٩.

عباسی، مصطفی، نقش اسوه ها در تعلیم و تربیت، تهران : سازمان تبلیغات اسلامی، ١٣٧١.

کریمی، عبدالعظیم، تربیت دینی، تهران: انتشارات قدیانی، ١٣٧٤.

لودین، شهین، اصول مدیریت از دیدگاه قرآن و احادیث، مشهد : نشر واسع، ١٣٨٠.

مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: انتشارات صدرا، ١٣٧٤.

مطهرى، مرتضى، مجموعه آثار، جلد سوم، تهران: انتشارات صدرا، ١٣٨٠.

مظلومی، رجبعلی، گامی به سوی تربیت، تهران: نشر آفاق، ١٣٦٤.

منصورى لاریجانى، اسماعیل، مدیریت اسلامى، تهران: انتشارات سمت، ١٣٨٢.

برچسب:[راهکارهای جذب مخاطب در مساجد](http://www.masjed.ir/fa/articles?cat=286)